



An analysis of the challenges of non-governmental organizations (NGOs) in relations with the government

Shanaz Aslani¹ | Reza Hemmati² | Karam Habibpour Gatabi³

1. PhD candidate of sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: Shaynazaslani@gmail.com

2. Corresponding Author, Associate Professor of Sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

E-mail: r.hemati@ltr.ui.ac.ir; themati@gmail.com

3. Associate Professor of Sociology, University of Kharazmi, Tehran, Iran. E-mail: Karamhabibpour@khu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-10-10

Received in revised form:
2024-120204

Accepted: 2025-01-06

Published online:

2025 - 02 - 02

Keywords:

NGOs, government, independence, sustainability, embedding of NGOs in state relations, constructivist grounded theory

ABSTRACT

Although participation in development programs, primarily driven by NGOs, is crucial, the issue remains unresolved. While many governments advocate for and endorse participation that allows stakeholders to meaningfully influence development initiatives, they often resist it in practice and fail to implement participatory communication as a cornerstone of effective engagement. This approach poses significant challenges for development processes because meaningful participation in development cannot occur without effective communication. This research focuses on the challenges of effective communication in development partnerships, specifically examining the factors that influence or impede communication between government entities and youth organizations in Isfahan Province. The study employed grounded theory methodology and conducted in-depth interviews with 33 leaders from youth NGOs in the region to investigate these communication dynamics. The study's results indicate that youth NGOs in Isfahan province have become an integral component of the state's organizational structure. This integration is observed under various conditions, including the "dominance of monologue and control over symbolic spaces", "the standardization and routinization of volunteer activities", "the persistence of information and experiences", "cynical forms of activism", "ambiguity in organizational knowledge", "lack of physical form", "financial instability of projects", and "altered patterns of interaction". These NGOs are more specifically embedded in the state structure. This embeddedness has raised concerns about their autonomy and long-term viability. As a result, the state not only determines the operational scope of youth NGOs but also shapes their interactions with them. This has led to a reductionistic understanding of these associations, including their membership composition, program implementation and efficacy, and even their relationship with the state.

Cite this article: Aslani, Sh., Hemati, R., & Habibpour Getabi, K. (2024). An analysis of the challenges of non-governmental organizations (NGOs) in ...; *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (1), 145-171.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

تحلیلی بر چالش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان استان اصفهان در مناسبات با دولت

شهناز اصلانی^۱، رضا همتی^۲، کرم حبیب پور گتابی^۳

۱. دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: Shaynazaslani@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: rhemati@ltr.ui.ac.ir; rhemati@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی، تهران؛ ایران، رایانامه: Karamhabibpour@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

کلیدواژه‌ها:

سازمان‌های مردم‌نهاد، دولت، استقلال، پایداری، حکم‌شدگی سمن‌ها در مناسبات دولتی، نظریه زمینه‌ای برساختی.

علیرغم اهمیت مشارکت در برنامه‌های توسعه با محوریت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) به عنوان محرک اصلی، اما مسئله مشارکت همچنان حل نشده باقی مانده است. اغلب دولت‌ها از مشارکتی که به ذینفعان این فرصت را می‌دهد تا به طور اثربخشی بر برنامه‌های توسعه تأثیر بگذارند، صحبت می‌کنند و برای آن پیش‌قدم می‌شوند اما در واقعیت در برابر آن مقاومت می‌کنند و امکان برقراری ارتباط مشارکتی به‌عنوان قلب مشارکت موثر را نمی‌دهد. این موضع برای فرآیندهای توسعه بسیار مشکل‌ساز است. زیرا هیچ مشارکت اثربخشی در توسعه بدون ارتباط موثر اتفاق نمی‌افتد. از این جهت پژوهش حاضر با تمرکز بر مسئله‌مندی ارتباطات موثر در مشارکت‌های توسعه و با هدف آسیب‌شناسی فرآیندهایی که تعامل سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت را شکل می‌دهد یا مانع برقراری ارتباط موثر می‌شود این پرسش را پیش کشید که دولت چگونه با سمن‌ها کار می‌کند؟ این پژوهش با روش نظریه زمینه‌ای برساختی و تکنیک مصاحبه متراکم با ۳۳ نفر از مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان انجام شد. مطابق یافته‌های تحقیق، تحت شرایطی که مفاهیم «تک‌گویی و تسخیر ساحت نمادین»، «بهنجارسازی و مناسکی کردن کار داوطلبانه»، «چسبندگی اطلاعات و تجربه»، «فعال‌نمایی کلبی‌مشربانه»، «نامطمئن بودن دانش سازمانی»، «بی‌شکل ماندن کالبدی- فیزیکی»، «شکستگی اقتصادی پروژه‌ها» و «دفرمه شدن تعامل» بازنمایی می‌کنند، سمن‌های جوانان استان اصفهان به جزء جدایی‌ناپذیر شکل سازمانی دولت تبدیل شده‌اند به عبارت دقیق‌تر این سمن‌ها در دولت حکم‌شده‌اند. حکم‌شدگی نه تنها استقلال، بلکه پایداری آن‌ها را مسئله‌مند کرده است. از اینرو است که دولت نه تنها فضای فعالیت سمن‌های جوانان، بلکه ماهیت روابط خود با آن‌ها را هم تعریف می‌کند و رویکردی فروکاهنده در مورد ماهیت این سمن، عضویت در آن، عملیات اجرایی و اثربخشی طرح‌ها و حتی رابطه با دولت ایجاد کرده است.

استناد: اصلانی، شهناز، همتی، رضا، و حبیب‌پور گتابی، کرم. (۱۴۰۳). تحلیلی بر چالش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان استان اصفهان در مناسبات با دولت؛

بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۱۴۵-۱۷۱.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

از اواخر دهه ۱۹۷۰، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) به عنوان بازیگرانی که توپوگرافی سازمانی جدیدی را بازتاب می‌دهند (Bach & Stark, 2002: 3) نقش برجسته‌ای را در توسعه ایفا کرده‌اند و به شدت بخاطر توانایی‌شان به عنوان سازمان‌های نوآور و مردمی با تمایل و ظرفیتی برای پیگیری اشکال مشارکتی و مردم محور توسعه و پر کردن شکاف‌های بجا مانده از شکست دولت‌ها، در سراسر جهان در حال توسعه مورد ستایش قرار گرفتند. تقریباً همزمان با ظهور این بازیگران جدید، و با پیروزی نئولیبرال و نقد عملکرد دولت و حق انحصاری حاکمیت و اعمال قدرت دولت بر نیروهای کنشگر توسعه نقش دولت، در عمل توسعه کم‌رنگ و در تئوری توسعه از مد افتاد. چنانکه در مانیفست دهه ۱۹۷۰ توسعه جایگزین^۱، جامعه به مثابه بنیان توسعه دیگر^۲ بود که به وضوح موضعی مخالف در قبال توسعه دولت‌محور بود. نقطه قوت گفتمان سازمان‌های مردم‌نهاد، نقطه ضعف آن نیز به شمار می‌رفت بدین ترتیب که نقش دولت را نادیده می‌انگاشت. بنابراین ظهور سمن‌ها می‌تواند نمود عملی جریان «انقلاب معکوس» نئولیبرالی در توسعه تلقی شود. اما در دهه ۱۹۸۰ زمانی که بخش خصوصی به عنوان بخش پیشرو در توسعه ظاهر شد، دامنه توسعه جایگزین گسترش یافت و دولت را نیز شامل گردید (پیترس، ۱۴۰۰: ۱۳۷). به این صورت نقش دولت به تدریج از دولت سازنده در دهه ۱۹۵۰ به دولت توانمندکننده در دهه ۱۹۸۰ و دولت تنظیم‌کننده در دهه ۱۹۹۰ تغییر یافت (شیخی، ۱۴۰۰: ۶۴). این تحولات تدریجی نشان داد توسعه به مداخلات هماهنگ دولت نیاز دارد و عامل تعیین‌کننده همچنان کارآمد بودن دولت است. از این جهت است که هرگز نقش تعیین‌کننده دولت در مناسبات توسعه به‌عنوان یک شریک، عامل تسریع و تسهیل‌کننده توسعه رد نشد (سلیانی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۲۰۴؛ Richey & Ponte, 2014: 14). البته از نظر لفت‌ویچ^۳ تنها شکل خاصی از دولت است که می‌تواند نیروی لازم برای نیل کشورهای در حال توسعه به یک توسعه پایدار و باثبات را فراهم آورد. وی چنین دولتی را «دولت توسعه‌گرا»^۴ به مثابه کارگزار اصلی توسعه می‌نامد (ربیع، ۱۳۹۹: ۱۱۰). تاکید صاحب‌نظران بر نقش دولت‌های توسعه‌گرا دو دلیل عمده دارد. اول شکست سیاست‌های تعدیل ساختاری اجماع واشنگتن^۵ که با اعتماد بسیار قوی بر بازارهای آزاد سعی در کاهش یا حتی به حداقل رساندن نقش دولت داشت. از جمله انتقادات فراروی اجماع واشنگتن، طرح اصول فکری اجماع پساواشنگتنی توسط استیگلیتز^۶ بود. پساواشنگتن، اجماع واشنگتن را به دلیل مخالفت شدید با مداخلات دولت رد کرده و سیاست‌های تثبیت‌کننده اجماع واشنگتن را برای اثرات سوء کوتاه‌مدت و بلندمدت آن‌ها زیر سوال می‌برد (صالحی و حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۲) و از ترکیب پویای کنش‌های متقابل دولت و بازار حمایت می‌کند که در این کنش‌های متقابل، دولت‌های توسعه‌گرا نقش مهمی دارند. عامل دوم رشد خیره‌کننده اقتصادهای آسیای شرقی بویژه چین بود که توسعه چین را در نظر صاحب‌نظران به الگوی جدیدی تبدیل کرد که از آن به «اجماع پکن»^۷ به عنوان قوی‌ترین بدیل نوع واشینگتنی با شاخص‌های همچون اولویت ابتکار، توجه به نقش دولت و اهمیت تغییر اجتماعی در عصر جهانی شدن و در مطابقت با روندهای الگویی توسعه، یاد می‌شود (شیرخانی و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

1 Alternative development
 2 Another development
 3 Adrian Leftwich
 4 developmental state
 5 Washington Consensus
 6 Stiglitz
 7 Beijing Consensus

در نتیجه چنین تحولاتی در نقش دولت و نقش بطور فزاینده برجسته‌ای که سمن‌ها به دلیل تحقق مشارکت واقعی در گفتمان توسعه جایگزین یافته‌اند (Clark, 1995) اتفاق نظر کاملی وجود دارد که در شبکه روابط سمن‌ها، رابطه با دولت مهمترین و البته چالش‌برانگیزترین نوع تعاملات و به عبارتی تعیین‌کننده است. گفته می‌شود زمینه ظهور سمن‌ها در نسبت با دولت‌ها معنا پیدا می‌کند (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷: ۹۵) در واقع مشارکت در حال رشد سمن‌ها در حل مشکلات توسعه که در روندی موازی با کاهش نقش دولت همراه بود در بستر تعامل با دولت رخ داد؛ اما این اتفاق در همه جا در یک زمان و به یک شکل نبوده و رژیم‌های سیاسی و میزان ثبات سیاسی و اقتصادی کشورها بر تحول روابط دولت و سمن‌ها تأثیر داشته است و بدیهی است که این تحول در روابط بدون تنش هم نبوده و دولت‌ها در بسیاری از کشورها برای تحت امر قرار دادن سمن‌ها اقدام کرده است. همچنانکه سمن‌ها نیز نقش خود در توسعه را گاهی اوقات از طریق به چالش کشیدن و گاه با تکمیل نقش دولت یا پذیرش کنترل دولت را از طریق قوانین و چارچوب‌های همکاری انجام داده‌اند. بنابراین ترتیبات نهادی غالب که زمینه ساز ظهور و گسترش سمن‌ها در کشورهای مختلف است، تضمین می‌کند که بخش سمن‌ها در هر کشور متفاوت و متمایز باشد. پس روابط متنوع و پیچیده بین دولت‌ها و سمن‌ها به طور قابل توجهی از کشوری به کشور دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر تغییر می‌کند و تنوع می‌پذیرد.

در ایران آنچه بیش از هر چیز در تعامل دولت-سمن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد بزرگ بودن بیش از اندازه دولت است. که سبب شده نه تنها سمن‌ها بلکه هیچ فعالیتی نتواند کاملاً از دولت مستقل باشد. بنابراین در این ساختار دولتی بزرگ هر اقدامی باید در ارتباط تنگاتنگ با دولت صورت گیرد (سعیدی، ۱۳۸۴: ۴۹). قرار گرفتن سمن‌های در چنین ارتباط نزدیکی با دولت چالش‌ها و موضع-گیری‌های بحث برانگیزی را در مورد عاملیت آن‌ها، توانایی‌شان برای دستیابی به اهداف و تأثیر آن‌ها بر استقلال و مشروعیت سمن-ها مطرح می‌کند (Banks at al, 2015; Harsh, 2016). در پژوهش‌های مختلف به ابعاد گوناگون این موضوع پرداخته شده است: چنانکه پورعزت و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه خود پنج نوع راهبرد تقابلی، بی‌تفاوتی، ریاکاری، همکاری و زیرساختی را در رابطه دولت و سمن‌ها شناسایی کردند. و رازقی و لطفی خاچکی (۱۳۹۷) دو گروه چالش‌هایی درون و برون سازمانی که سمن‌ها با آن‌ها در رابطه با دولت مواجه هستند را مشخص ساختند. مطالعه رفیعی (۱۳۹۱) نشان داد سمن‌ها در ارتباط با دولت به ترتیب بیشتر شریک دولت، نقش نظارتی، نقش عاملی و نقش مشاور حضور داشته‌اند و به شدت تمایل دارند منابع مالی مرتبط با طرح‌های توسعه ملی ورزش را از طریق دولت تأمین نمایند و در اجرای سایر نقش‌ها ضعیف عمل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش ملایی و اسکافی (۱۳۹۵) حاکی از آن است که نوع مشارکت موجود بین دولت و سمن‌ها از نوع مشارکت شعاری بوده و در عمل، اصول مشارکت به علل متعددی رعایت نمی‌شود. حبیب‌پور گتایی (۱۳۹۸) نیز نشان داد که موقعیت سمن‌ها در سیاستگذاری اجتماعی، موقعیتی تزئینی، ابزاری، نمایشی، سایه‌وار و سیاسی است که در بسیاری از موارد نقش آنها به مجریان صرف قوانین دولت و مؤسسات خدماتی تقلیل یافته و فاقد جایگاه مشخصی در سیاستگذاری اجتماعی‌اند. لطفی و همکاران (۱۳۹۹) به فقدان یک قانون جامع برای فعالیت سمن‌ها و ساختارهای مشخص برای جلب مشارکت این سازمان‌ها در فرایند خط‌مشی‌گذاری اشاره کردند. باتلی^۱ (2011) نشان داد چگونه وجود مکانیزم‌هایی که سمن‌ها را زیرمجموعه دولت قرار می‌دهد بویژه اگر خیلی سفت و سخت و بدون انعطاف باشند یا تنها توسط دولت نوشته شده باشند احتمال مشارکت کمتر است. نیر^۲ (2011) در مطالعه نشان می‌دهد اگرچه سمن‌ها در کشورهای مورد مطالعه تحت سلطه کنترل‌های قراردادی و سیاسی هستند، اما در مذاکرات آشکار یا پنهان مواضع خود را در رابطه با دولت مشخص کرده‌اند.

1 Batley

2 Nair

اسد و کی^۱ (2014) با نقد سوگیری‌های ضد دولتی در اغلب پژوهش‌های مربوط به تعاملات سمن‌ها و دولت نشان دادند سمن‌ها و پروژه‌های بشردوستانه پزشکی آنها زمانی که نحوه تعاملشان با انواع مختلف دولت را از فرایندهای هماهنگ‌سازی منافع و مذاکره تنظیم می‌کنند، احتمال موفقیت بیشتری دارند. همچنانکه رز^۲ (2011) نشان داد سمن‌ها زمانی که توانایی مذاکره در مورد موضع خود را با دولت حفظ می‌کنند، احتمال روابط مشارکتی با دولت بیشتر است. تحقیقات واکر^۳ (2016) که استفاده ابزاری دولت از سمن‌ها و نمایندگی کردن سمن‌ها از منافع دولت و هاسمت^۴ و همکاران (2019) که سوءاستفاده‌های دولت از مزیت‌های استراتژیک سمن‌ها را نشان دادند، نیز نگرانی‌هایی در باب مسئله استقلال سمن‌ها مطرح می‌کنند.

با در نظر داشتن گستردگی مطالعاتی که به رابطه سمن‌ها و دولت می‌پردازند و ملاحظات نقادانه حاصل از یافته‌های این پژوهش‌ها که نگرانی‌هایی در مورد وضعیت سمن‌ها در رابطه با دولت مطرح می‌کند، پژوهش حاضر با تمرکز بر چالش‌های رابطه دولت و سمن‌های جوانان استان اصفهان در صدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد: از منظر نگاه سمن‌های جوانان استان اصفهان رابطه دولت و سمن‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چه تاثیری بر وضعیت، سازوکارهای کنش و اقدامات سمن‌ها می‌گذارد؟ تمرکز بر سمن‌های جوانان که عموماً در مطالعات رابطه دولت و سمن‌ها کمتر به آن پرداخته شده و استفاده از روش نظریه زمینه‌ای در پژوهش حاضر این امکان را می‌دهد که ویژگی‌ها و تفاوت‌های ظریف روابط دولت و سمن‌ها که عموماً بنا به دلایلی مغفول مانده و یا از پرداختن به آن اجتناب شده، را بهتر درک کنیم تا بتوانیم چارچوبی نسبتاً دقیق و شفاف از آن به منظور ارتقاء این رابطه و بهبود وضعیت سمن‌های جوانان ترسیم کنیم.

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

مجموعه مباحث نظری ذیل به عنوان چارچوب حساسیت نظری، به محقق این اجازه را می‌دهد که پیش‌گرایش‌های موجود در خصوص مطالعه را آشکار ساخته و در تفسیر یافته‌ها بکار گیرد. عموماً ادبیات نظری در خصوص رابطه سمن‌ها و دولت استراتژی‌های ممکن برای تعامل را ترسیم می‌کنند: در دیدگاه وانیهیر^۵ تعامل دولت با سمن‌ها طیفی از استراتژی بازدارندگی که از نگرانی دولت از فعالیت‌های سمن‌ها ناشی می‌شود و دولت این سازمان‌ها را ضد خود می‌داند تا استراتژی‌های نرم‌تر که در آن دولت به تدریج آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد و وارد تعامل محدود با آنها می‌شود، را شامل می‌شود (رازقی و لطفی‌خاچکی، ۱۳۹۷: ۹۸). گوردنکر و ویس^۶ (1995: 357) به ترکیبی از تضاد، رقابت، مشارکت و همکاری که روابط دولت-سمن‌ها را در متن فرایند توسعه توصیف می‌کند، اشاره دارند. تک^۷ (2002) نیز در رابطه با نحوه فعالیت سمن‌ها در کنار دولت و عرصه‌های مختلف قایل به چهار الگو است: الگوی ایستا، با ویژگی فعالیت محدود دولت و یک بخش ضعیف سمن‌ها. الگوی آزاد، با ویژگی فعالیت محدود دولت و یک بخش قوی سمن‌ها. الگوی سوسیال دموکرات، که مشخصه آن، درگیری وسیع دولت در فعالیت رفاه اجتماعی و درگیری محدود بخش سمن‌ها می‌باشد و الگوی انبازی و شراکتی، که در آن هم دولت و هم بخش سمن‌ها فعالانه و اغلب با همکاری یکدیگر در حل مسایل جامعه درگیرند (حبیب‌پور گنابی، ۱۳۹۸: ۲۳۹).

1 Asad & Kay

2 Rose

3 Walker

4 Hasmath

5 Vanheier

6 Gordenker & Weiss

7 Tek

یکی از مهمترین دیدگاه‌ها در ترسیم روابط بخش‌های دولتی - غیردولتی، دیدگاه ناچم (383: 2000) است که در قالب مدل چهار C ارائه شده است. اساساً، مدل چهار C در مساله اهداف و ابزار خلاصه می‌شود. هر یک از بازیگران نهادی - دولتی و غیردولتی - مقاصد (اهداف) خاصی را دنبال می‌کنند و هر یک ابزارهای (استراتژی‌های) خاصی را ترجیح می‌دهند. همانطور که این سازمان‌ها در جریان سیاست شناور هستند، در یکی از چهار ترکیب ممکن با یکدیگر برخورد می‌کنند:

اهداف			
متفاوت	مشابه	مشابه	استراتژی‌های ترجیحی (ابزار)
جذب نیروهای مخالف	همکاری	مشابه	
رویارویی	تکمیلی	متفاوت	

شکل ۱: مدل روابط چهار وجهی دولت و سمن‌ها

برخی از پژوهشگران نیز به تعیین‌کنندگی شرایط سیاسی و جغرافیایی پرداخته و نشان می‌دهند روابط بین سمن‌ها و دولت و شکل کنش این مجموعه‌ها در سطح جامعه با توجه به ساختار هر کشور و از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر، از کشوری به کشور دیگر و نیز تحت تاثیر رژیم‌های سیاسی گوناگون به شدت متفاوت است. در این بین مقاصد دولت‌ها در پرداختن به این واقعیت نیز متنوع به نظر می‌رسد (Togbolo, 2005; Attack, 1999; Nair, 2011). بر این مبنا روابط سمن‌ها و دولت را در قالب سه مدل آمریکای لاتین، مدل آفریقای جنوبی و مدل آسیای جنوبی متمایز می‌شود؛ روابط دولت و سمن‌ها در مدل آسیای جنوبی در هند مبتنی است بر حمایت و تشویق و همکاری و تشریک مساعی نزدیک با دولت. در مدل آفریقای جنوبی بر نیاز مکرر به همکاری نزدیک با دولت یا حداقل اجتناب از دشمنی با آن است. و در مقابل در مدل آمریکای لاتین، سمن‌ها و سایر سازمان‌های مردمی به عنوان مخالف دولت هستند (Uwhejevwe-Togbolo, 2005). خزائلی‌پارسا (۱۳۸۲) نیز با چنین دیدگاهی و با در نظر داشتن زمینه‌های تاریخی تعامل سمن‌ها و دولت و نیز شرایط اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی که سمن‌ها در آن فعالیت می‌کنند الگوی روابط سمن‌ها با دولت را با سه نوع رابطه به تصویر می‌کشد؛ یا سمن‌ها با دولت در ستیزند و اساساً نمی‌خواهند به دولت نزدیک شوند و یا اینکه کاملاً جذب دولت شده‌اند و حتی هزینه‌شان را دولت تأمین می‌کند که هر دو این روابط برای دولت و سمن‌ها آفت است. و یا با دولت یک ارتباط دو طرفه منطقی با حفظ استقلال خود برقرار می‌کنند.

روش‌شناسی

روش پژوهش در این مطالعه روش کیفی مبتنی بر استراتژی نظریه زمینه‌ای از نوع برساختی است. زیربنای روش‌شناختی نظریه زمینه‌ای برساختی بر چگونگی ساخت معنا توسط مشارکت‌کنندگان در رابطه با حوزه تحقیق تمرکز دارد. به تعبیری در این رویکرد تجربه و معانی حاصل هم‌سازی برساخت‌گرا و مشارکت‌کنندگان است (Bryant & Charmaz, 2007: 53; Charmaz, 2006: 13). مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر شامل کلیه سمن‌های جوانان استان اصفهان (در حوزه‌های مختلف فعالیت همچون محیط‌زیست، زنان، آسیب‌های اجتماعی، کارآفرینی، ازدواج و تحکیم خانواده، جمعیت علمی- پژوهشی، هنری، گردشگری، فعالیت‌های بشردوستانه، رسانه و فضای مجازی، مذهبی، عمران و آبادی، ورزشی و ...) است. مطابق گزارش اداره کل مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های

داوطلبانه جوانان وزرات ورزش و جوانان (۱۴۰۱: ۲) تعداد ۲۸۵ سمن از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا پایان دی ماه ۱۴۰۱ در استان اصفهان ثبت شده است. از این لحاظ استان اصفهان پس از استان آذربایجان شرقی با ۳۰۳ سمن، رتبه دوم از نظر تعداد سمن‌های ثبت شده حوزه جوانان در کشور در این بازه زمانی را به خود اختصاص داده است. با در نظر داشتن این موضوع و نیز با توجه به در دسترس بودن مشارکت‌کنندگان برای انجام مصاحبه حضوری، سمن‌های این استان انتخاب شد.

تکنیک گردآوری داده‌ها در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و استراتژی روش نظریه زمینه‌ای برساختی، مصاحبه متراکم^۱ است که به ما این امکان را می‌دهد تا جستجوی عمیقی درباره یک موضوع یا تجربه خاص داشته باشیم و به زیر لایه‌ی یک گفتگوی معمولی برویم و رویدادها، دیدگاه‌ها و احساسات را از نو بسنجیم (Charmaz, 2006: 25-26). جهت نمونه‌گیری روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز نمونه‌گیری نظری انجام شده است. در فرایند نمونه‌گیری بعد تهیه لیستی از سمن‌های جوانان استان اصفهان، سمن‌های که نسبت به بقیه فعال‌تر بودند شناسایی شدند. در عین حال سابقه فعالیت و حوزه فعالیت سمن در انتخاب نمونه‌ها مدنظر قرار گرفت. مصاحبه با مسئولان سمن‌ها انجام شد که به عنوان مسئول سمن نسبت به سایر اعضا اطلاعات بیشتر در مورد وضعیت سازمان دارند. هر مصاحبه بطور میانگین بین یک تا یک ساعت و سی دقیقه به طول انجامید. قبل از انجام مصاحبه پرسش‌های اصلی به عنوان راهنمای مصاحبه در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با روش کدگذاری نظریه زمینه‌ای از نوع برساختی شامل سه سطح کدگذاری اولیه^۲، کدگذاری متمرکز^۳ و کدگذاری نظری^۴ (Charmaz, 2006: 42) انجام شد. پس از تحلیل اولین مصاحبه مفاهیمی بدست آمده مبنای گردآوری داده‌ها در مصاحبه‌ی بعدی قرار می‌گرفت و به همین ترتیب در مصاحبه‌های بعدی نیز این کار تکرار شد. این فرایند از طریق مقایسه مدام^۵ (بین داده‌ها و داده‌ها، داده‌ها و کدها، کدها و کدها)، رفت و برگشت‌های مستمر و یادداشت‌نویسی^۶ انجام شد. این به ما امکانی داد تا داده‌ها را در همان مراحل اولیه فرایند تحقیق تحلیل کنیم. پس از پیاده‌سازی هر مصاحبه کدگذاری اولیه روی داده‌های خام انجام شد، با مقایسه کدها با هم و یادداشت‌نویسی تلاش کردیم روابط میان آن‌ها و نیز شکاف در داده‌ها را مشخص و در مصاحبه فعلی و بعدی لحاظ کنیم. این فرایند گردآوری و کدگذاری داده‌ها تا مصاحبه ۳۳ (در مجموع شامل ۱۸ مرد و ۱۵ زن و ۱۰ مورد تکرار مصاحبه) که اشباع نظری مقوله‌ها بود ادامه یافت.

-
- 1 Intensive Interview
 - 2 Initial Coding
 - 3 Focused Coding
 - 4 Theoretical Coding
 - 5 constant comparative
 - 6 Memo Writing

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

مصاحبه شماره	جنسیت	تحصیلات	تغل	فعالیت سابقه	فعالیت زمنه	مصاحبه شماره	جنسیت	تحصیلات	تغل	فعالیت سابقه	فعالیت زمنه
۱	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر مجموعه ورزشی	۸ سال	سلامت و ورزش	۱۸	زن	کارشناسی	تیلیغات	۵ سال	ذکر نشده
۲	مرد	کارشناسی ارشد	شرکت گاز	۴ سال	آسیب‌های اجتماعی	۱۹	زن	کارشناسی	کارمند شرکت خصوصی	۸ سال	فرهنگی گردشگری
۳	زن	کارشناسی	کارمند بخش خصوصی	۹ سال	فرهنگی اجتماعی	۲۰	زن	کارشناسی	دبیر	۵ سال	علمی پژوهشی
۴	مرد	حوزوی	دبیر	۷ سال	فرهنگی	۲۱	زن	کارشناسی ارشد	خبرنگار	۵ سال	فرهنگی
۵	مرد	دکتری	مدرس دانشگاه	۶ سال	ازدواج به سبک ایرانی	۲۲	مرد	دکتری	ناظر نظام مهندسی	۵ سال	قرآنی و تربیت نوجوان
۶	مرد	کارشناسی	مدیر شرکت	۵ سال	علمی پژوهشی و آموزشی	۲۳	مذکر	کارشناسی ارشد	آزاد	۸ سال	ذکر نشده
۷	زن	کارشناسی ارشد	معلم	۴ سال	فرهنگی	۲۴	مرد	کارشناسی	اداری	۵ سال	مدیریت شهری
۸	مرد	دیپلم	آزاد	۶ سال	ترویج فرهنگ ازدواج	۲۵	مرد	دکتری	کارمند	۶ سال	سواد رسانهای
۹	زن	کارشناسی	کارمند	۶ سال	اوقات فراغت	۲۶	زن	کارشناسی	آزاد	۵ سال	اشتغال بانوان کارآفرین بی‌سرپرست یا بدسرپرست
۱۰	مرد	کارشناسی	کارمند بازرگانی و اداری	۹ سال	اوقات فراغت	۲۷	مرد	کارشناسی	مدرس آموزشگاه	۱۰ سال	سلامت اجتماعی و روانی
۱۱	زن	کاردانی	آزاد	۶ سال	فرهنگی گردشگری	۲۸	زن	کارشناسی ارشد	تصحیلگر	۷ سال	پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی
۱۲	مذکر	کارشناسی	دانشجو	۸ سال	علمی پژوهشی و کارآفرینی	۲۹	زن	کارشناسی	آزاد	۵ سال	اجتماعی فرهنگی
۱۳	زن	کارشناسی	تیلیغات	۹ سال	هویت ملی و ایثار و شهادت	۳۰	مرد	دکتری	آزاد	۶ سال	آسیب‌های اجتماعی
۱۴	زن	دیپلم	بیکار	۷ سال	ذکر نشده	۳۱	مرد	دکتری	مربی	۶ سال	توسعه ورزش
۱۵	مرد	کارشناسی ارشد	کارمند بخش خصوصی	۶ سال	میراث فرهنگی	۳۲	زن	کارشناسی	آزاد	۷ سال	کارآفرینی
۱۶	مرد	دانشجوی ارشد	آزاد	۹ سال	فرهنگی	۳۳	زن	کارشناسی ارشد	آزاد	۶ سال	ذکر نشده
۱۷	مرد	کارشناسی ارشد	خبرنگار	۴ سال	فرهنگی						

عموماً آنچه از سنجش اعتبار در پژوهش‌های کیفی مقصود نظر است، موثق بودن روایت پژوهشگر از پدیده یا روابط مورد مطالعه است برای رسیدن به این مقصود چهار معیار اعتبارپذیری^۱، انتقال‌پذیری^۲، اطمینان‌پذیری^۳ و تصدیق‌پذیری^۴ گوبا و لینکن^۵ (همتی و ربانی، ۱۳۸۷: ۲۴۹) بکار گرفته شد. جهت تضمین اعتبارپذیری سعی کردیم سمن‌هایی را انتخاب کنیم که تجربه‌ای غنی در حوزه سمن‌های جوانان داشته باشند از این رو سمن‌هایی انتخاب شدند که حداقل ۴ سال از زمان تاسیس‌شان گذشته باشد و در طول این مدت فعالیت مستمر داشته‌اند. پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی و تحلیل داده‌ها، به مصاحبه‌شونده بازگشت داده شد که مطمئن شویم برداشت ما با منظور مشارکت‌کننده همخوانی دارد یا خیر؟ پس از بررسی داده‌ها توسط مشارکت‌کنندگان در صورت نیاز تغییرات لازم اعمال می‌شد. جهت تضمین اطمینان‌پذیری با کسب رضایت مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط گردید و در اسرع وقت در قالب متن پیاده‌سازی و کدگذاری روی آن‌ها انجام می‌گرفت. همچنین از راهنمایی متخصصان و صاحب‌نظران در زمینه تحقیق کیفی و تئوری زمینه‌ای استفاده شد. برای انتقال‌پذیری توصیف و تشریح دقیق شرایط و مراحل مختلف تحقیق، بیان ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و مستندسازی رویه‌های مربوط به گردآوری و استخراج داده‌ها انجام گرفت تا در صورت لزوم امکان تکرار فرایند مشابه برای سایر پژوهشگران وجود داشته باشد در نهایت برای تاییدپذیری سعی کردیم مقاصد اولیه و انتظاراتی که از پژوهش داریم را روشن سازیم و برای اینکه مشخص شود تا چه حد سایر افرادی که پژوهش یا نتایج آن را بررسی می‌کنند، یافته‌های پژوهشگر را تأیید می‌کنند (Schreier et al, 2020:7)، ضمن توافق با اساتید صاحب‌نظر بر روی کدها و مفاهیم بدست آمده، داده‌ها، تحلیل‌ها و یافته‌ها چندبار مرور و مورد بازبینی قرار گرفت و با پیشینه تحقیق مقایسه شد.

لازم به ذکر است قبل از شروع کار ابتدا موافقت مسئولین مربوطه کسب شد و نهایت دقت در اجرای اصول اخلاقی پژوهش شامل رضایت آگاهانه^۶، حفظ گمنامی^۷، و رازداری^۸ (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۵۹) انجام گرفت. به مشارکت‌کنندگان درباره اهداف و روش تحقیق توضیحات لازم ارائه شد. همچنین در خصوص اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات، مختار بودن برای شرکت در تحقیق و نیز حق خروج در هر مرحله از تحقیق توضیح داده شد. تاریخ، ساعت و مکان مصاحبه با توافق شرکت‌کنندگان تعیین و رضایت آن‌ها جهت ضبط مصاحبه کسب گردید. از اینرو در راستای اصل محرمانگی از ذکر اسامی مشارکت‌کنندگان و مشخصات سمن‌ها به درخواست مشارکت‌کنندگان خودداری شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش ۸ مفهوم «تک‌گویی و تسخیر ساحت نمادین»، «بهنجارسازی و مناسکی کردن کار داوطلبانه»، «چسبندگی اطلاعات و تجربه»، «فعال‌نمایی کلبی‌مشریانه»، «نامطمئن بودن دانش سازمانی»، «بی‌شکل ماندن کالبدی- فیزیکی»، «شکندگی بودن اقتصادی پروژه‌ها» و «دفرمه شدن تعامل» از طریق کدگذاری متمرکز بر روی کدهای اولیه و با متراکم کردن آن‌ها توسعه یافت. این مفاهیم مشاهدات، تجربیات، کنش‌ها، تفسیرها و ادارات مسئولان سمن‌های جوانان از وضعیت سمن‌ها در تعامل با دولت و کنش‌ها و

1 Credibility
2 Transferability
3 Dependability
4 Confirmability
5 Guba & Lincoln
6 Informed Consent
7 Anonymity
8 Confidentiality

اقدامات دولت در مواجهه با آن‌ها بازنمایی می‌کند. با توصیف و تحلیلی که بواسطه این مفاهیم از تعامل سمن‌ها و دولت بدست آمد مقوله «حک‌شدگی سمن‌ها در مناسبات دولتی» به عنوان مقوله هسته‌ای از طریق کدگذاری نظری ساخته شد.

جدول ۲: کدگذاری اولیه و متمرکز

کدهای متمرکز (۸)	کدهای اولیه (۱۰۸)
تک‌گویی و تسخیر ساحت نمادین	مدون و جامع نبودن قوانین، نقش نداشتن سمن‌ها در نوشتن قوانین، نبودن اراده سیاسی برای درگیرسازی سمن‌ها در قانونگذاری، طفره رفتن دولت از مشارکت دادن سمن‌ها در حوزه برنامه ریزی و تصمیم سازی، دسترسی نداشتن به مراکز سیاستگذاری و قانونگذاری برای مطالبه‌گری، مطالبه‌گر نبودن سمن‌ها برای نقش‌آفرینی در حوزه قانونگذاری، بدبین شدن دولت به سمن‌ها در صورت مطالبه کنشگری در حوزه قانونی، خالی بودن جای سیاست‌های مالیاتی تشویقی در رابطه با حامیان سمن‌ها، نبودن مشوق‌های قانونی برای سمن‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه، سکوت کردن قانون در مورد مسئولیت دولت در برابر سمن‌ها، فراوانی قوانینی با اهداف کنترل‌گرانه در مقایسه با قوانین تسهیلگر، سرسری خواندن قوانین و دستورالعمل‌ها توسط سمن‌ها، نادیده گرفتن قوانین
بهنجارسازی و مناسکی کردن کار داوطلبانه	پیش قدمی بودن دولت در تشکیل و توسعه سمن‌های جوانان، ملزم کردن سمن‌ها به پیروی از عرف سازمان‌های دولتی، فرم دادن ارتباط با سمن‌ها در رویه مکاتبات مجوز- گزارش، اولویت دادن به طرح‌های ارائه شده توسط دولت در اختصاص اعتبارات، مداخله کردن برای تغییر طرح‌ها تخصصی سمن‌ها مطابق با استانداردهای دولتی، محدود کردن سمن‌ها در ارائه طرح‌های تخصصی، ارزیابی کردن کیفیت طرح‌ها با معیارهای و انتظارات بوروکراتیک، بستن فضای مانور برای سمن‌ها در پروژه‌های ابلاغی دولتی با آئین نامه‌ها، دستورگذاری دولت در مشخص کردن خطوط ارتباط و همکاری، کنترل شدن عملیاتی سمن‌ها با ابلاغ دستورالعمل‌ها، آئین نامه‌ها و طرح‌های دولت نوشت
چسبندگی اطلاعات و تجربه	به روز نبودن اطلاعات دولت از سمن‌ها، ارجاع دادن مدام سمن‌ها به تجربیات شکست خورده قبلی، همانند کردن تجربیات قدیمی و جدید در مورد سمن‌ها، حساسیت پایین و بی‌میلی دولت نسبت پروژه‌های با موضوعات و شرایط روز جامعه، دشوار بودن جلب توجه مسئولین به دغدغه‌های مردم، محافظه‌کاری لجوجانه در پافشاری برای کاربرد راه‌حل‌های قدیمی برای مسائل روز، نگاه نكوهش‌گرانه و اتهام‌زنی به سمن‌ها با فرافکنی تجربیات قبلی، تلاش برای حفظ دست بالای دولت در رابطه و نپذیرفتن روابط همسطح، بی‌اعتبار شمردن مجوز فعالیت سمن‌ها توسط برخی دستگاه‌ها با وجود اطلاع از قانونی بودن آن، نادیده گرفتن تخصص و تجربیات سمن‌ها به دلیل جوانی، اصرار دولت بر الگوی گزارش دهی و پاسخگویی سمن به دولت و نه برعکس
فعال‌نمایی کلبی مشربانه	تغییر دادن طرح‌ها مطابق انتظارات دولت با وجود نادرست دانستن این کار، انفعال در برابر تجویزهای دولتی، تمرکز بر اجرای طرح‌های برون-سپاری شده دولت، تأیید جوئی از طرف دولت در اجرای پروژه‌ها، پس رفتن از مواضع خودگردانی در مقابل دولت به دلایل مصلحتی، لحاظ نشدن موضع مذاکره برای سمن‌ها، نادیده گرفتن حضور سمن‌ها و فراخواندن به موقع نیاز، مشارکت‌های ناپذیری بخش‌هایی از دولت با وجود تأکید بر آن، مشارکت‌پذیری تشریفاتی دولت در مونولوگ‌های تریبونی، دستوری کردن مشارکت با ارائه طرح‌ها و پروژه‌ها بصورت برون‌سپاری به سمن‌ها، استفاده متظاهرانه دولت از سمن‌ها برای نمایش دادن مشارکت‌پذیری، از سر واکردن سمن‌ها با وجود اصرار بر مطالبه‌گری سمن‌ها، اصرار به افزایش تعداد سمن‌ها و فعال نگه داشتن آن‌ها
نامطمئن بودن دانش سازمانی	فقیر بودن محیط اطلاعاتی، وابستگی اطلاعاتی به دولت، محدود بودن اطلاعات ارائه شده توسط دولت، محدود بودن تجربه کار عملیاتی در اعضا سمن، مسلط شدن رویه‌های آزمون و خطا در عملیات اجرایی، دشوار بودن حفظ سرمایه‌های فکری و انسانی، شکل نگرفتن اجتماعات کاری بین سمن‌ها برای به اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات حرفه‌ای، متنوع بودن زمینه فرهنگی، دانشی و بینشی اعضا، دشوار بودن آموزش اعضا، ریزش نیروی‌های داوطلب، پوششی بودن اعضا، رواج یافتن داوطلبانگی رزومه‌ای
بی‌شکل ماندن کالبدی- فیزیکی	نداشتن دفتر کار مشخص و اختصاصی، فوریت نداشتن استقرار یافتن برای سمن‌ها از دید دولت، کارکردن در فضاهای غیر اختصاصی، برخوردار نشدن از امکان‌های ابراز وجود در مکان اختصاصی، سردرگمی و تضعیف شدن حس تعلق اعضا در بی مکانی، دشواری رسمیت اجتماعی و اعتماد کردن به سمن در نبود مکان استقرار رسمی، تحلیل رفتن کیفیت عملکردی در بی مکانی، همزیستی اجباری با دولت برای جلسات و برنامه‌های کاری، دولتی شدن تصویر سمن در همزیستی با دولت
شکندگی اقتصادی پروژه‌ها	فقدان یا کمبود منابع مالی در دسترس، کافی نبودن منابع دولت برای تامین مالی پروژه‌ها، شانه خالی کردن دولت از مسئولیت حمایت از سمن‌ها در طرح‌های تخصصی، واگذاری مسئولیت به سمن‌ها بدون دسترسی دادن، حمایت مالی مقطعی دولت از سمن‌ها، ناممکن بودن استفاده از منابع مالی بین‌المللی و کمک‌های خارجی، شفاف نبودن مکانیزم‌ها و فرآیندهای حمایت دولت از سمن‌ها، اطلاع نداشتن از فرآیند اختصاص بودجه دولتی به سمن‌ها، مطرح شدن شائبه رانت در حمایت دولت از سمن‌ها، وضع کردن سیاست‌های غربالگری توسط دولت برای تخصیص اعتبار، توزیع

کدهای متمرکز (۸)	کدهای اولیه (۱۰۸)
	<p>نابرابر اعتبارات تخصیص یافته در جغرافیای زمانی- مکانی، پراکنده‌اندیشی و پراکنده‌کاری در مورد پروژه‌ها، ناتمام ماندن پروژه‌ها و متعهد نبودن نسبت به تحویل پروژه‌ها، شتابزده عمل کردن در انجام پروژه‌ها، بسنده کردن به پروژه‌های سطحی و بعد کمی آن‌ها، تکرارپذیر نبودن پروژه‌ها در مقیاس وسیع، نبودن سیستم و مکانیزم سنجش اثربخشی پروژه‌ها، فیت کردن پروژه‌ها با اهداف عملیاتی دولت، محدود بودن توانایی هدایت پروژه‌های تخصصی در سمت دولت، فقدان تجربه و تخصص لازم برای انجام پروژه‌های با موضوعات متنوع در سمن‌ها، تداوم نداشتن پروژه‌های اجرایی، کثرت پروژه‌های آموزش محور، درپیش گرفتن رویکرد خدماتی و خیریه‌ای، غالب شدن نگرش کوتاه مدت به پروژه‌های اجرایی سمن‌ها، متفاوت بودن دغدغه‌های سمن‌ها و دولت در پروژه‌ها</p>
دفرمه شدن تعامل در آشفتگی	<p>تعریف نشدن مکانسیم راهبری روشن و چندخطی برای تعامل، وجود نداشتن شناخت درست از سمن‌ها، شکل نگرفتن توافق در مورد نقش‌ها و مسئولیت‌ها، بی‌اعتمادی متقابل دولت و سمن‌ها به یکدیگر، درک متفاوت از نقش مناسب سمن‌ها، سرسری گرفتن کار داوطلبانه توسط هر دو طرف، تلقی موقتی بودن کار سمن‌ها در هر دو طرف، رشد بی‌ضابطه سمن‌ها، وعده‌های محقق نشده مسئولین، وجود نداشتن یا شفاف نبودن سیستم نظارتی، ناهماهنگی بین بخشی در دولت در مواجهه با سمن‌ها، در حاشیه نگه داشتن و فراخواندن سمن‌ها در مواقع نیاز، تعهدزدایی مداوم دولت از مسئولیتش در قبال سمن‌ها، انباشه شدن مطالبات مغفول مانده سمن‌ها، ضعف بودن فرهنگ سازمانی و عمومی کار تیمی</p>

تک‌گویی و تسخیر ساحت نمادین

مطابق یافته‌های تحقیق ترجیحات مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان در حوزه قانونی، آن‌ها را بیشتر علاقه‌مند به کار با سازمان‌های دولتی‌ای می‌کند که در آن ثبت‌نام به‌عنوان یک سمن، ساده و الزامات گزارش‌دهی معقول است؛ سیاست‌های مالیاتی مشوق‌هایی را برای فعالیت‌هایی فراهم می‌کنند که حامی آن‌هاست؛ و آیین‌نامه‌ها به دنبال ارتقای عملکرد مؤثرشان است. اما با وجودیکه مشارکت سمن‌های جوانان بصورت رسمی پذیرفته شده و در قانون به آن تصریح شده اما دبیران سمن‌های مورد مطالعه این قوانین را برای تسهیل فعالیت‌های داوطلبانه ناکارآمد می‌دانند چراکه این قوانین نه گفتگو شده هستند و نه حتی مذاکره شده که جایی برای ترجیحات سمن‌ها در خود داشته باشند.

«این قوانین بیشتر نهی‌کننده هستند که فقط برای سمن‌هاست. چیزی که به نفع سمن‌ها و کمک کند به پیشبرد کار وجود ندارد» (مشارکت‌کننده ۲۱، ۵ سال سابقه).

این امری بدیهی است که قانون به‌مثابه امری نمادین بخش‌هایی از ابژه را محدود می‌کند و حتی فرصت نمادین شدن را به آن بخش‌ها نمی‌دهد بخش‌هایی که سوژه همواره به دنبال آن می‌گردد. بنابراین اعمال قانون بر میل ورزی سوژه تأثیر می‌گذارد. اما این نیز امری بدیهی است که تأثیر و نفوذ نسبی طرف‌های درگیر می‌تواند در فرایند خط‌مشی‌گذاری تغییر ایجاد کند چیزی که اراده کنترل‌گر دولت آن را پس می‌زند تا قوانین تجلی از خواست غیرخودی‌ها نباشد:

«قانون را به شکلی نوشته‌اند تا سمن‌ها هر کاری بکنند زیر چتر خودشان باشند» (مشارکت‌کننده ۱۵، ۶ سال سابقه).

مسئله فقط این نیست که ترتیبات نهادی دولت در حوزه قانون‌گذاری برای نقش‌آفرینی سمن‌های جوانان گشوده نیست، بلکه مطابق نظر مشارکت‌کنندگان خواست و اراده سمن‌های جوانان استان اصفهان برای مشارکت هم به مرحله مطالبه‌گری جمعی نرسیده است. شاید به این دلیل که درخواست مشارکت بخصوص در حوزه قانون‌گذاری و تصمیم‌سازی برای آن‌ها هزینه دارد و بیشتر رویکردی تقابلی نسبت به سمن‌ها در دولت ایجاد می‌کند بنابراین از آن اجتناب می‌کنند. از نظر مشارکت‌کنندگان زمانی که سمن‌های جوانان خواستار مشارکت بیشتر در تنظیم دستورکار و قوانین نسبت به آنچه دولت می‌خواهد هستند احتمال تنش و اختلاف آن‌ها با دولت بیشتر می‌شود:

«حالا شما بگو چرا قانونتان اینجوری است؟ این قسمتش درست است آن غلط؟ این چیزها باعث می‌شود به شما مشکوک هم بشوند. حساس می‌شوند که مثلا می‌خواهیم چکار کنیم که قوانین دست‌مان را بسته است» (مشارکت‌کننده ۱۸، ۴ سال سابقه). از این طریق است که در تجربه مسئولان سمن‌های استان اصفهان دولت با روحیه سرکوب‌گر و کنترل‌گر سعی در مهندسی امر داوطلبانه از طریق استعمار محیط قانونی دارد که این سبب از بین رفتن مشروعیت قوانین شده و به صورتی که برای برخی از سمن‌های جوانان گذار از آن شدنی‌تر از عمل به آن است:

«راستش اصلا نمی‌دانم قانونی مکتوبی در مورد سمن‌ها وجود دارد یا نه. آیین‌نامه‌ها را هم معمولا نمی‌خوانم. ما کار خودمان را می‌کنیم تا به حال هم مشکلی نبوده. آن‌ها که قانون را نوشته‌اند به این کاری ندارند که اصلا شدنی هست یا نه خیلی از این انتظاراتی که دارند و خیلی راحت در قالب قانون و آیین‌نامه به سمن‌ها تحمیل می‌کنند اصلا شدنی نیست. ممکن است اصفهان بشود کار کرد ولی در همه جا و همه شهرستان‌ها که نمی‌شود» (مشارکت‌کننده ۲۵-۹ سال سابقه).

در وضعیت تک‌گویی که با چیرگی خواست و اراده دولت بر قوانین مشخص می‌شود موقعیت سمن در رابطه‌ای یک‌طرفه که ذهن، میل و اراده بالغ تعیین‌کننده رفتار است و طرح سوال و گفتگو موضوعیت ندارد بصورتی ابژه‌گون ادراک می‌شود و در ساحت قوانین به عنوان غیر تنها به عنوان موضوع آگاهی باقی می‌ماند و نمی‌تواند در بطن خود به آگاهی و معرفت حقیقی دست یابد. چراکه در تک‌گویی یک حقیقت از پیش آماده وجود دارد که هر یک از افراد در پی اثبات آنند، و نه آن حقیقتی که در زبان و دیالوگ نهفته است و از طریق گفت و گو خود را فاش می‌کند آنطور که هابرماس^۱ به آن باور داشت.

بهنجارسازی و مناسکی کردن کار داوطلبانه

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد بهنجارسازی با خنثی کردن تفاوت‌ها در امر تطابق سمن‌های جوانان استان اصفهان با انتظارات فرهنگ بوروکراتیک عمل می‌کند؛ به عبارتی در صدد است کنش‌های این سازمان‌ها را به منظور نیل به اهدافی که مطلوب دولت است شکل دهد. بهنجارسازی به نوعی یک فرایند درآمیزی و تلفیق است که در خلال آن سازمان‌های غیردولتی و دولتی یکنواخت و همگن شده‌اند چرا که تفاوت‌هایشان در ملزم شدن به پیروی از الگوهای رفتاری بسیار ساختاریافته به حداقل رسیده است. در تجربه سمن‌های مورد مطالعه، مشارکت در نظر دولت یعنی تبعیت کامل و بدون چون و چرا از نظم بوروکراتیک سازمان‌های دولتی؛ بصورتی که فعالیت‌های سمن‌ها تنها زمانی پذیرفته می‌شود که بهنجار یعنی مطابق با استانداردهای سیستم رسمی شود:

«انتظار دارند همه کارهای اداری و همه رفتارمان را به همان صورت رسمی خودشان انجام داده باشیم. ما را ملزم به این کار می‌کنند و ما مجبوریم در آن چارچوب کار کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۱، ۶ سال سابقه).

این یک فرایند رسمی از کنش متقابل میان دو طرف است. دولت الزاماتی را برای تعامل با سمن‌ها و بیشتر از آن برای دادن مجوز تاسیس و فعالیت به آن‌ها تعیین می‌کند و سمن‌ها به نوعی با توجه به وابستگی‌هایی که به دولت دارند مجبور به بازی در این میدان و رعایت آداب و قواعد آن هستند. بنابراین وجود و اهمیت این کنش متقابل به عنوان مبنای شکل‌گیری رفتار بهنجار در سمن‌های مورد مطالعه، ما را به سمت پدیده عامتری به نام مناسکی شدن کار داوطلبانه هدایت می‌کند. مکانیسم مناسکی شدن یکی از مهمترین سازوکارهای تولید معنا در زندگی است که بواسطه آن روندها و معناهای مهم زندگی ما در قالب‌های رفتاری و ذهنی خاصی صورت‌بندی شده و بصورت رمزگذاری شده، وارد نظام کنش متقابل می‌شوند. اما با تعبیری آلتوسری مناسکی شدن تجسد یافتن

سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت است در مناسک و آئین‌ها. از این رو برای داوطلبانگی مناسکی شدن می‌تواند به مثابه فرآیندی باشد که بوسیله آن الگودهی و کلیشه‌سازی سفت و سخت رفتار انجام می‌گیرد و سمن‌های جوانان را هم به ابژه قدرت و هم ابزارهای اعمال آن تبدیل می‌کند چراکه تمایزات اثرگذار این سازمان‌ها همچون آزادی و انعطاف‌پذیری، نوآوری و فراتر رفتن از حد و حدود تعیین شده الگوها و ساختارهای تثبیت شده را از بین برده و در نهایت منجر به استحاله شدن کار داوطلبانه در روزمرگی‌های اداری خواهد شد و کنشگر دغدغه‌مند و بیرونی را تبدیل به یک عضو [غیررسمی] سازمان و به عبارتی خودی می‌کند:

«برای یک برنامه می‌گویند باید با این معیارهای باشد اینجور شروع شود حداقل این تعداد افراد حضور داشته باشند، از این افراد تجلیل شود، از این افراد دعوت شود، بنر طرحی باشد که خودشان از قبل طراحی کرده‌اند و ... اگر این ترتیبات رعایت نشود از اعتبار تعیین شده کم می‌کنند. ما فقط باید انجامش دهیم» (مشارکت‌کننده ۴، ۷ سال سابقه).

چالش مشارکت‌کنندگان در این تحقیق نه فقط مناسکی شدن کار داوطلبانه بلکه تورم مناسک بهنجارسازی است. در حالی که یکپارچگی و ضابطه‌مندی سفت و سختی که نظم اداری با فشار انبوه مناسک از سمن‌های جوانان استان اصفهان انتظار دارد، بزرگترین آسیبی است که می‌تواند آن‌ها از اثرگذاری تهی کند.

«وقتی کلی وقت و انرژی برای تشریفات اداری می‌گذاریم برای اجرای کار دیگر کم می‌آوریم. یک سیستم عریض و طویلی هست که شما باید همه آن را برای کار کوچیک طی کنید و تازه اگر همه چیز روی روال عادی باشد وای به حال روزی که اتوماسیون قطع باشد یا رئیس نباشد» (مشارکت‌کننده ۲۲، ۵ سال سابقه)

از منظر مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر این خفه‌کردن کار داوطلبانه با تشریفات و مناسک اداری بیش از حد، راهی است که دولت یا سازمان‌های دولتی از طریق آن سعی در حفظ کنترل خود بر بخش غیردولتی دارند.

چسبندگی اطلاعات و تجربه

چسبندگی یک اصطلاح عمومی در اقتصاد است که می‌توان از آن برای هر متغیر که در برابر تغییر مقاوم باشد، استفاده کرد اطلاعات چسبیده، اطلاعات قدیمی است که توسط کارگزاران به عنوان مبنایی برای رفتارشان استفاده می‌شود - اطلاعاتی که رویدادهای اخیر را در نظر نمی‌گیرند. در تجربه مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان در تعامل با سازمان‌های دولتی تحت مکانیزم اطلاعات چسبیده، برای دولت راحت‌تر است در یک الگوی ثابت و از پیش تعیین‌شده و تجربه‌شده با سمن‌های جوانان در ارتباط باشد پس تمایلی برای تغییر و تعدیل ارتباط با سمن‌ها در هر برهه از زمان ندارد. چراکه که جمع‌آوری و پردازش اطلاعات جدید با هزینه همراه است پس با همان اطلاعات و تجربه‌های قبلی ادامه می‌دهد. در تجربه مشارکت‌کنندگان، برخی مسئولین ادارت دولتی تمایل دارند که طرح‌های آزمون شده که قبلاً هم اجرا شده‌اند، انجام شود ولی درگیر هزینه‌های انجام طرح‌های جدید نشود؛

«هر طرح جدیدی که داده‌ایم مسئولین رد می‌کنند مدام در مورد شکست پروژه‌های گذشته صحبت می‌کنند و طرح‌های جدید را فقط وقت تلف کردن و خرج کردن بیهوده پول می‌دانند. می‌گویند موارد مشابهی بوده قبلاً در شهرستان اجرا شده و نتیجه مطلوبی هم نداشته است» (مشارکت‌کننده ۱۹، ۸ سال سابقه).

چنین الگوی رفتاری در تعاملاتی که در یک سوی آن سمن‌های جوانان قرار دارند که اتفاقاً برای نقش واسطه‌ای‌شان برای شناساندن نیازهای واقعی مردم به دولت، قابلیت ریسک‌پذیری‌شان در اجرای طرح‌ها و اسلوب‌سازی و راهبری فرایندهای نوآورانه درگیر مرادوات توسعه با سایر کنشگران شده‌اند، فلج‌کننده است. اما به این دلیل که هزینه‌های اضافه‌کردن اطلاعات جدید برای فرایندهای نوآورانه برای دولت هم به لحاظ مالی و هم اجتماعی - سیاسی گران تمام می‌شود پس به راحتی زیر بار آن نمی‌روند:

«برای خودم سخت‌ترین کار این است که ادارات را قانع کنیم که این مساله مساله مردم است. نه اینکه متوجه اهمیت موضوع نباشند بلکه این امور اولویت‌شان‌ها نیست و مهمتر اینکه برایشان ددرساز است» (مشارکت‌کننده ۸، ۶ سال سابقه).

فعال‌نمایی کلبی مشربانه

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهند فعال‌نمایی به نوعی مهم‌ترین جلوه و ظهور "سازو برگ‌های ایدئولوژیک دولت"^۱ در تعامل با سمن‌های جوانان استان اصفهان است از آن رو که، ساختار مشارکت‌پذیر ساختگی دولت، دستاورد فزاینده‌ای برای اهداف سیاسی آن دارد. به نوعی ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در قالب سمن‌های جوانان نوعی سازوکاری آموزشی است که باعث ایجاد «رابطه تخیلی»^۲ موردنظر آلتوسر^۳ می‌شود. براساس تئوری نردبان مشارکت ارنشتاین^۴ بین وارد شدن در مشارکتی تشریفاتی و ساختگی، و مشارکتی که نشان‌دهنده قدرت واقعی برای اثر گذاشتن بر نتایج فرایند مشارکت است، تفاوت وجود دارد (سعیدی، ۱۳۹۸: ۱۰۷):

«حرف از مشارکت و حمایت بود که ما را ترغیب به این کار کرد. اما آن‌ها تعریف خودشان را از این چیزها دارند و سمن‌ها اصول و استانداردهای خودش را. الان در مورد کارهایی که سمن‌ها با دولت انجام می‌دهند استانداردهای کار NGOها به شکل وحشتناکی ناپود شده از غیردولتی بودن، از مشارکت، از مردمی بودن، از مطالبه‌گری سمن‌ها چیزی باقی نمانده... ما داریم در زمین دولت، برای دولت و با روش دولت کار می‌کنیم و ادای سمن بودن را در می‌آوریم» (مشارکت‌کننده ۱۰، ۹ سال سابقه).

چنین ساختارهای که به طرز ریشه‌ای بر سوژکتویته تاثیر می‌گذارند و با مشارکت‌پذیری صوری سوژه‌های خاص خود را نیز براساس این سوژکتویته برمی‌سازند، به طور موثری هدف دولت برای ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی را در این فعال‌نمایی محقق می‌کنند. از اینروست که ژیک^۵ (۱۴۰۱: ۱۷۵) معتقد است در سیاست امروز، خطر نه بی‌کنشی که فعال‌نمایی است؛ یعنی اصرار به فعالیت و مشارکت. قدرتمندان معمولاً حتی مداخله‌ای انتقادی را هم به سکوت ترجیح می‌دهند و تلاش می‌کنند ما را درگیر دیالوگ کنند تا مطمئن شوند بی‌کنشی یا انفعال نامیمون مان شکسته شده است:

«طرح‌های دولت آئین‌نامه دارند که باید طبق آن انجام شود. مسئله کمیت و کیفیت کار نیست مسئله این است اگر کاری می‌کنیم زیرنظر آنها باشد. سمن من که نه سرمایه‌ای دارد و نه درآمدی چه کار باید بکند. چه کار می‌تواند بکند به غیر از اینکه کاملاً شرایط را بپذیرد» (مشارکت‌کننده ۵، ۶ سال سابقه).

چنین تجربیاتی نشان می‌دهد آنچه برای ایدئولوژی مهم است شعائر و مناسکی که سوژه‌ها بدان‌ها پایبندند، نه آنچه می‌گویند و یا می‌اندیشیند. پس اگرچه همانطور که مصاحبه‌ها نشان می‌دهند در این ساختار مشارکتی نسبت به ساختگی بودن آن آگاهی وجود دارد، اما آنچه برای ایدئولوژی اهمیت دارد کنش‌ها و اعمال افراد است. اینگونه نیست که چون سوژه‌ها نمی‌دانند یا آگاه نیستند به شکل ایدئولوژیک عمل می‌کنند یا فریب ایدئولوژی را می‌خورند بلکه کلبی‌مشربانه با علم به اینکه برداشت رسمی از واقعیت تحریف شده همچنان به آن تن در می‌دهند. به تعبیر ژیک آنها خیلی خوب می‌دانند که چه کار می‌کنند ولی با این حال آن کار را انجام می‌دهند (مایرز، ۱۳۸۵: ۹۲-۹۰). مسئله نه ناآگاهی سمن‌های جوانان استان اصفهان و سرسپردن به این توهم که در یک مشارکت واقعی با

1 Ideological State Apparatuses

۲ در تعریف آلتوسر ایدئولوژی نشان‌دهنده رابطه تخیلی افراد با شرایط واقعی هستی است.

3 Althusser

4 Arnstien

5 Zizek

دولت درگیرند، بلکه آگاهی این سمن‌ها نسبت به این وضعیت ساختگی و سرسپردنشان به این مشارکت تصنعی است و با وجود آگاهی از آن، کلبی‌مشربانه هنوز آن را انجام می‌دهد.

نامطمئن بودن دانش سازمانی

در تعامل سمن‌ها و دولت که مشخصه آن تلاطم، پیچیدگی و چالش‌برانگیزی است، برای مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر این یک مفروض بنیادی است که توانایی سمن‌ها برای اثرگذاری بودن در دانسته‌هایشان نهفته است. نامطمئن بودن را در تجربه مسئولان سمن‌های استان اصفهان می‌توان از با دسترسی کم و ناچیز سمن‌های جوانان به دانش‌های تخصصی مورد نیاز خود از منابع گوناگون واکاوی کرد. برای سمن‌های جوانان که پیوندشان با بخش دولتی انکارناپذیر است یک منبع مهم دانش تخصصی و اطلاعات نهادهای دولتی است اما معمولاً چنین دسترسی به سمن‌ها که همواره در مظان اتهام انتقال اطلاعات به سازمان‌های بین‌المللی و سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه هستند (حوزه حکمرانی شهروندی، ۱۳۹۸: ۱۲) یا رقیب دولت قلمداد می‌شوند (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۱) داده نمی‌شود. بنا بر گفته مسئولان سمن‌ها معمولاً اطلاعات اندک و بصورت قطره‌چکانی در مورد برخی از موضوعات به آن‌ها داده می‌شود:

«اطلاعات کلی و محدود آن هم با واسطه اداره در اختیار سمن می‌گذارند در همین حد. اولش حسابی آدم را سین جین می‌کنند که برای چه این را خواهی؟ اصلاً به درد شما نمی‌خورد این داده‌ها و ... آخرش هم هیچ» (مشارکت‌کننده ۳۱، ۴ سال).

یک منبع داخلی مهم دانش سازمانی، تخصص افراد و منابع انسانی است که همانطور که مصاحبه‌ها نشان می‌دهند در مورد سمن‌های جوانان، اعضای سازمان لزوماً دارای دانش تخصصی در حیطه فعالیت سمن نیستند چراکه صرفاً داوطلب بودن برای عضو شدن در سمن کفایت می‌کند که بدیهی است معیار مطمئن و مناسبی برای اثرگذاری نخواهد بود.

«معیار خاصی بجز شرط سنی نداریم. افرادی که دغدغه میراث فرهنگی و گردشگری دارند و علاقه‌مند هستند جذب می‌شوند» (مشارکت‌کننده ۳۳، ۶ سال).

علاوه بر کسب دانش، نگهداری و حفظ آن نیز اهمیت دارد تا تضمین شود که فرایندهای کاری با اطمینان بیشتری به طور مداوم خروجی‌ها، نتایج و اهداف خواسته‌شده را مطابق اهداف عملیاتی مورد انتظار برآورده خواهند ساخت. اما مطابق یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها ساختار کار داوطلبانه حداقل به آن صورتی که در سمن‌های جوانان استان اصفهان محقق شده، تمهیدی برای آن ندارد. مشارکت‌کنندگان می‌گویند: همانطور که به راحتی افراد عضو سازمان می‌شوند خیلی راحت‌تر می‌توانند خارج شوند بدون هیچ تعهد سازمانی و ساختاری. این امر بخصوص در سمن‌هایی که متکی بر توانمندی‌های افراد فعال در زمینه‌های مختلف عمل می‌کنند خطرناک است. طبق تجربیات مسئولان سمن‌ها خروج این سرمایه‌های فکری (به دلایل مختلف مثل ازدواج، اشتغال، ادامه تحصیل یا برآورده نشده انتظاراتشان در جین فعالیت در سمن، کامل کردن رزومه) خسارت زیادی برای سمن‌های مورد مطالعه داشته است:

«برای اعضا ماهیت سمن‌ها و فعالیت‌شان یک کار موقتی است. بخصوص که بعد از چند سال بخاطر شرط سنی دیگر نمی‌توانند عضو سمن باشند. برای خیلی‌ها هم عضو سمن بودن این معنی را می‌دهد که هرزگاهی با سمن یک کاری بکنند تا رزومه‌ای برای خود درست کنند و بروند» (مشارکت‌کننده ۴، ۷ سال).

بی شکل ماندن کالبدی - فیزیکی

اگرچه سمن‌ها قابل مشاهده‌ترین نوع سازمان‌های مدنی در ایران هستند اما اکثر آن‌ها از جمله سمن‌های جوانان استان اصفهان به-عنوان سازمان‌هایی که موجودیت کالبدی نیافته‌اند زیست می‌کنند این از آن روست که طبق اظهارات مسئولان سمن‌ها اکثر آنها دفتر کار یا مکانی برای استقرار که در آنجا اعضا به وظیفه و تعهدی که عهده‌دار شده‌اند بپردازند را، در اختیار ندارند.

«جای مشخصی نداریم. برای ثبت نام آدرس خونه را دادم ... مسلماً آگه جایی را داشیم خیلی وضع فرق می‌کرد. این وضع آشفته رو نداشیم. خیلی وقت‌ها سر اینکه کجا جمع شویم هم باید بحث کنیم تا به توافق برسیم» (مشارکت‌کننده ۱، ۸ سال سابقه). ارزیابی اکثر مسئولان سمن‌های مورد مطالعه در این تحقیق این است که بی‌مکانی بر کارآمدی‌شان تأثیرات منفی زیادی دارد. چنین ارزیابی تا حد زیادی درست است به این دلیل که مکان‌ها از جهت عملکردی به شکل‌های مختلف همچون ساماندهی فعالیت‌ها و کنترل رفتار یا فراهم کردن فرصتی برای ارتباطات اجتماعی (Altman & Low, 1992) به نقل از فرج‌اله‌زاده و صالح‌نیا، ۱۴۰۰: ۷۱) می‌توانند بر کیفیت پاسخگوی افراد و نهادها مستقر در آن‌ها تأثیر بگذارند.

«اگر دفتر داشتیم می‌توانستیم بهتر کار کنیم. کارمان رو توسعه بدیم تا به افراد بیشتری که بیشتر هم به کمک ما نیاز دارند کمک کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۷، ۴ سال سابقه).

در عین حال احساس ریشه‌دار بودن و تعلق به محیط که مکان‌داری بوجود می‌آورد هم موجب تقویت انگیزها و کارآمدی کنش‌ها می‌شود و هم باعث می‌شود مردم به همدیگر و به نهادها اعتماد کنند. چرا که موجد رسمیت اجتماعی برای آن‌ها است که در تجربه مسئولان سمن‌های مورد مطالعه ثبت شده است. و آن چیزی است که آن‌ها آن را در بی‌مکانی درک کرده‌اند: «ناخودآگاه اشاره به یک آدرس هم رسمیت کار را نشون میده و هم اعتماد را بیشتر می‌کند. به این شکل بنظر یک سازمان واقعی می‌آییم نه فقط یک گروه» (مشارکت‌کننده ۲۹، ۵ سال سابقه).

در عین حال مکان‌داری می‌تواند به سمن‌ها تمایز ببخشد و از عناصر حیات آن‌ها برای ابراز وجود در فضای تعاملی باشد در مقابل هژمونی که آن‌ها را به یکدستی و یکی‌شدن با دولت سوق می‌دهد در حالی که تجربیات و ادراکات سمن‌های جوانان استان اصفهان موارد متعددی از این یکی‌شدن را به تصویر می‌کشد:

«جلسات مهم و جلسات مجمع رو هم که توی اداره یا یکی از دفاتر هیات‌های ورزشی برگزار می‌کنیم. پس خیلی عجیب نیست که مردم فکر می‌کنند که ما جز دولت هستیم حتی از دولت حقوق می‌گیریم. چون هر وقت که با هم هستیم یا توی اداره‌ایم یا داریم با آن‌ها کار می‌کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۴، ۵ سال سابقه).

علاوه بر این تحلیل تجربیات مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان در مورد بی‌مکانی، شواهدی از سردرگمی، عدم تعلق، احساس موقتی‌بودن و فقدان قدرت کنترل را نشان می‌دهد که نتیجه آن انزوایگزینی و دور شدن از مرکز و پراکندگی برای سمن‌های مورد مطالعه بوده است. چراکه مکان به گروه‌های مختلف امکان می‌دهد که پیرامون یک پدیده یا رخداد به گفتگو بنشینند و مرکزیت مکان را پدید آورند (فرج‌اله‌زاده و صالح‌نیا، ۱۴۰۰: ۶۹)

«وقتی جلسه قرار است در خانه یکی از اعضا برگزار شود اگر بعضی افراد عذر بیاورند که نمی‌توانند حضور داشته باشند که معمولاً هم اینطور می‌شود من به آن‌ها حق می‌دهم. خود بخود انسجام گروه هم کم می‌شود برای همین بدون اینکه اصلاً بفهمیم از گروه خارج می‌شوند» (مشارکت‌کننده ۱، ۸ سال سابقه).

شکندگی اقتصادی پروژه‌ها

تفسیر ادراکات، مفروضات و تجربیات مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر از وضعیت پروژه‌های اجرایی سمن‌های جوانان استان اصفهان، وضعیت شکننده‌ای را بازنمایی می‌کند که به مثابه مستعدبودن به آسیب‌پذیری در مواجهه با بحران‌هاست که به عزم آن‌ها می‌تواند باعث اختلال در عملکرد این سازمان‌ها شود. به عبارتی شکندگی، حساسیت پروژه‌های اجرایی سمن‌های مورد مطالعه را مفهوم‌سازی می‌کند که بویژه از شوک‌های مالی و ناتوانی در هدایت پروژه‌ها ناشی می‌شوند. در اظهارات مسئولان سمن‌های مورد مطالعه در وضعیت جریان منابع کمیاب و محدودیت دسترسی، مهمترین چالشی که پروژه‌ها را در وضعیت شکننده‌ای قرار می‌دهد اختلال و بی‌ثباتی در تامین مالی پروژه‌ها است چراکه آن‌ها به تجربه دریافته‌اند که در شرایط دشواری کسب منابع مالی و نگرانی از عدم توازن مخارج و عواید در موقعیت‌های مختلف، تامین مالی با آسیب‌پذیری همراه می‌شود. همه مشارکت‌کنندگان تحقیق در مصاحبه‌ها به تجربیاتی از تخصیص‌های بی‌ثبات و موقتی بودجه از محل اعتبارات دولتی اشاره کرده‌اند که هزینه‌های فزاینده اجرای طرح‌ها تخصصی آن‌ها را تامین نکرده است.

«برای پروژه‌ای که سال ۹۶ حدود ۳۰ میلیون هزینه شده فقط ۵ میلیون واریز شد. تا پارسال داشتم بدهی می‌دادم. مجبور شدیم کارهایی را انجام بدیم که در حیطه فعالیت‌های ما نبود تا بتوانیم بدهی‌مان را صاف کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۳، ۷ سال سابقه).
«بودجه‌ای که اداره کل برای طرح‌ها می‌دهد در مقابل هزینه‌هایی که می‌کنیم خیلی کم است. تازه آنهم بعد از اتمام کار و ارسال گزارش که در بهترین حالت پنج شش ماهی طول می‌کشد که پرداخت شود معمولاً هم برای طرح‌هایی پول می‌دهند که از خودشان باشد» (مشارکت‌کننده ۹، ۶ سال سابقه).

با این وجود، طبق روایت مسئولان سمن‌های استان اصفهان اصلی‌ترین و مشخص‌ترین منبع تامین مالی پروژه‌ها، حمایت‌های مالی دولت از سمن‌هاست. به عبارتی در طول دوره فعالیت، بیشترین هزینه‌های جاری این سازمان‌ها از محل منابع مالی پرداختی دولت تامین شده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر این عدم‌تنوع منابع و شیوه‌های تامین مالی را با اشاره به محدودیت‌های شیوه‌های تامین جایگزین مستدل می‌کنند: به زعم ایشان کمک گرفتن از اهداکنندگان خارجی آن‌ها را در مظان اتهام قرار می‌دهد. در عین حال جلب نظر خیرین برای کمک به سمن نیز به راحتی بدست نمی‌آید. بخش خصوصی نیز یا به دنبال قابلیت اقتصادی پروژه‌هاست یا تشویق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی که در نبود قوانین حمایتی مالیاتی بواسطه کمک به سمن‌های توسعه‌ای، خیلی تمایلی برای کمک نشان نمی‌دهد. درآمدزایی سمن‌ها هم به راحتی ممکن نیست. به عنوان مثال مشارکت‌کننده ۲۰ در مورد جلب کمک خیرین برای پروژه‌ها می‌گوید:

«شما اگه برای کارهای خیریه‌ای کمک بخواهید مردم و خیرین نه نمی‌گویند. ولی برای کارهای اجتماعی و فرهنگی یا توسعه‌ای به راحتی یا پیش نمی‌گذارند. یا اعتماد نمی‌کنند. یا در نظرشان اولویت ندارد یا اصلاً به نظرشان چنین کارهای نتیجه‌بخش نیست» (مشارکت‌کننده ۲۰، ۵ سال سابقه).

با استناد به گفته‌های مسئولان سمن‌های استان اصفهان در مصاحبه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت اعتبارات دولتی راحت‌ترین و در دسترس‌ترین حالت ممکن برای سمن‌های جوانان با توجه به شرایط است. اما این حد از «نزدیکی بخاطر راحتی» می‌تواند برای سمن‌ها هشداردهنده باشد بخصوص که آن‌ها را ملزم به پاسخگویی به دولت و در خطر دور شدن بیشتر از ذینفعان مورد نظر خود قرار می‌دهد (Banks et al, 2015). در حالی که همانطور که اندروز (2014: 111) نشان می‌دهد حفظ فاصله از دولت و سطحی از استقلال مالی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی رو به پایین را برای سمن‌ها در اولویت قرار می‌دهد. از این روست که می‌توان استدلال

کرد افزایش وابستگی سمن‌های جوانان استان اصفهان به کمک‌های مالی دولت باعث تضعیف نقاط قوتی شده که نقش فزاینده آن‌ها را در توسعه توجیه می‌کند. علاوه بر این، نگرانی‌هایی دیگری در مورد کمک‌های مالی دولت به سمن‌ها نیز وجود دارد چراکه با وجود مزیت‌های که برای سمن‌های جوانان استان اصفهان دارد، ممکن است در مواردی مبتنی بر زمینه ایدئولوژیک باشد. با توجه به شرایطی که مشارکت‌کنندگان در این مطالعه در مورد تامین مالی پروژه‌ها به تصویر می‌کشند می‌توان گفت تداوم شرایط فعلی برای سمن‌های جوانان استان اصفهان در استمرار هزینه‌های فزاینده و درآمدهای ناپایدار، یک چالش مهم برای اقتصاد پروژه‌ها محسوب می‌شود. آنچه حساسیت موضوع را افزایش می‌دهد در تجربیاتی از سمن‌های جوانان استان اصفهان نمودار می‌شود که آن‌ها برای درآمدزایی بخصوص از طریق طرح‌های عمومی اقدام کرده‌اند. این طرح‌ها عموماً جز فعالیت‌های برون‌سپاری شده دولت هستند. به این صورت که برخی از فعالیت‌هایی که جز کار یک سازمان هستند، تحت عنوان قرارداد یا پیمان از پیش تعیین شده واگذار می‌شود. این برون‌سپاری‌ها اگر بدون بستر قانونی - نظارتی دقیق و بدون رتبه‌بندی میان تشکل‌ها انجام می‌شود، شائبه رانت پیش می‌آید. محرک اصلی این مشارکت نیز غالباً اقتصادی است که موجب کمرنگ شدن روابط اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مردم در جامعه خود شد (شیخی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲). بر مبنای اظهارات مصاحبه‌شوندگان تجربیاتی از درآمدزایی که در آن برخی از سمن‌ها در واکنش به کسری بودجه و تنگناهای مالی در پروژه‌ها، اقدام به اجرای طرح‌های عمومی و خارج از موضوع فعالیت خود کرده‌اند. که جدای از تاثیر آن بر روی نیروهای داوطلب و انگیزه و اهداف اعضا، اگرچه توانسته یک منبع درآمدی برای سمن باشد و بخشی از هزینه لازم برای تحقق اهداف اصلی سمن را تامین کند اما منجر به پراکنده‌کاری و پراکنده‌اندیشی در موضوع فعالیت و پروژه‌ها شده است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند این ظرفیت سمن‌ها را برای توسعه برنامه‌های تخصصی و بهبود خدمات اصلی مرتبط با موضوع فعالیت سمن کاهش خواهد داد.

«این یک کار داوطلبانه است که برای بچه‌ها حالت نیمه وقت دارد. اگر این وقت کم را هم به کارهای حاشیه بپردازیم دیگر وقت و انرژی برای کار اصلی سمن نمی‌ماند. بعضی بچه‌ها هم که در این فعالیت‌ها شرکت نمی‌کنند. آن‌ها می‌گویند قرار نبود جشن و مسابقه برگزار کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۳، ۷ سال سابقه).

«آخرین کار تخصصی که داشتیم مربوط به قبل از کرونا می‌شود که آنهم کامل نشد. الان یا داریم طرح‌های دولت را انجام می‌دهیم یا کارهای مناسبی که معمولاً از طرف ارگان‌هاست. کارمان شده از این شاخه به اون شاخه پریدن. یک بار کارگاه ازدواج، یکبار جشن، یک بار نمایشگاه. هیچ کدام هم به موضوع فعالیت سمن ربط ندارد. بیشترش طرح‌های اداره است که ما اجرا می‌کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۴، ۷ سال سابقه).

دفرمه شدن تعامل

مطابق یافته‌های تحقیق می‌توان گفت در ابتدایی‌ترین سطح، تعاملات سمن‌ها و دولت با برداشتی که اعضای سمن از دولت به‌عنوان یک کل، یا به‌خصوص بازیگران دولتی دارند، شکل می‌گیرد و بالعکس. به ویژه، مانند هر رابطه انسانی، اعتماد مهم است. دولت و سمن‌ها زمانی که به یکدیگر بی‌اعتماد هستند یا تصور می‌کنند که دیگری به آن‌ها بی‌اعتماد است در درگیر شدن در روابط مشترک با مشکل مواجه می‌شوند. با توجه به آنچه از تحلیل تجربیات و ادراکات مسئولان سمن‌های مورد مطالعه از رابطه با دولت بدست می‌آید باید بپذیریم که اعتماد آن‌ها به دولت به‌شدت ضعیف و شکننده است که مسبب آن را از نظر آن‌ها وعده‌های محقق نشده مسئولین در خصوص نحوه فعالیت و حمایت از سمن‌ها، مشارکت‌ناپذیری و نبود شفافیت لازم در ارتباط گرفتن دولت با سمن‌های

جوانان، در حاشیه نگه داشتن و فراخواندن سمن‌های جوانان توسط دولت در مواقع نیاز، تعهدزدایی مداوم دولت از مسئولیتش در قبال سمن‌های جوانان، انباشه شدن مستمر مطالبات مغفول مانده سمن‌های جوانان است.

«فقط وقتی کار داشته باشند برای اجرای طرح‌های خودشان به سراغ سمن می‌آیند تا کارشان حل شود. هر وقت مسئولین قول همکاری داده‌اند و ما اعتماد کردیم رفتیم دنبالش، نصیب سمن‌ها فقط همان وعده‌ها بوده» (مشارکت‌کننده ۳۲، ۷ سال سابقه). تجربیات و باورهای از این دست به ما می‌گوید اعتماد ریشه در انتظاراتی دارد که سمن‌های جوانان از دولت دارند. به عبارتی بی‌اعتمادی سمن‌ها به دولت علت نیست، بلکه معلول ضعف عملکردی است که در نهایت منجر به شرایط نابسامان و آشفته فضای تعاملی بین آن‌ها می‌شود. اما به استناد تجربیات و ادراکات مشارکت‌کنندگان در این تحقیق می‌توان گفت این بی‌اعتمادی در روابط سمن - دولت یک طرفه نیست. این تصور در بین مسئولان سمن‌ها وجود دارد که دولت نیز به دلایلی چون جوانی اعضای سمن و نداشتن تجربه یا رقیب دانستن سمن‌های جوانان و یا ترس از وارد شدن به جریان‌های سیاسی و پرداختن به اموری که درحوزه‌ی وظیفه سمن‌های جوانان نیست به آن‌ها اعتماد ندارد.

«سیاست یک بام و دو هوا در برابر سمن‌ها وجود دارد هم تشویق به فعالیت تشکل‌ها می‌کنند و هم مانع تراشی. اینکه سمن‌های جوانان هنوز نمیدانند توی این بازی چه کاره‌اند بنظرم به این دلیل است که دولت نخواسته تکلیف این قضیه را یکسره کند. چون نمی‌تواند به سمن‌ها اعتماد کند» (مشارکت‌کننده ۲۳، ۸ سال).

اگرچه اعتمادسازی شرط لازم برای ارتباطی سالم است که در آن کنشگران هدف‌های خود را تحت شرایطی دنبال می‌کنند که که بتوانند نقشه‌های کنش خود را بر مبنای تعاریف مشترک از وضعیت هماهنگ کنند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۰۸) اما بنظر نمی‌رسد سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت روی موضوعات اساسی به چنین تعاریف مشترک رسیده باشند حتی در مورد نقش‌ها. چنانکه مسئولان سمن‌ها به درک متفاوتی که دولت از نقش مناسب سمن‌ها دارد اشاره می‌کنند:

«از نظر مسئولین فقط برگزاری جشن، مسابقه را سمن باید انجام دهد. یا اگر هر جا به مشکل برخوردند و موضوعاتی که خودشان هم نمی‌دانند چیست از سمن‌ها انتظار دارند که انجامش دهند یک طرح تحقیقی می‌بری می‌گویند شما بیا در مورد فلان موضوع تحقیق کن بیشتر به کار می‌آید» (مشارکت‌کننده ۳۰، ۶ سال سابقه).

مطابق یافته‌های تحقیق حاضر در رابطه دولت و سمن‌ها دولت انتظاراتی دارد که متفاوت از آن نقشی است که سمن‌های جوانان برای خود تعریف می‌کنند. همچنان که این سمن‌ها هم از دولت انتظاراتی دارند که معتقدند دولت از زیربار مسئولیتی که برای برآوردن آن‌ها دارد، شانه خالی می‌کند. چنین وضعیت در دو سوی رابطه نشان می‌دهد توافقی در مورد نقش و انتظارات در این فضای تعاملی وجود نیامده است. مسئولان سمن‌ها به تجربه می‌گویند یک حلقه گمشده در زنجیره ارتباطات سمن‌ها و دولت وجود دارد که بی‌اعتمادی دو سویه از آن ناشی می‌شود و رسیدن به توافق را مشکل می‌سازد. به نظر مشارکت‌کنندگان عدم‌شناخت درست دولت و سمن‌های جوانان از یکدیگر اجازه شکل گرفتن اعتماد بین آن‌ها را نداده است. می‌توان گفت این مانع بزرگی برای رسیدن به توافق و در نتیجه تعامل سالم (به تعبیر کلارک، ۱۹۹۵) است در نتیجه آنچه باقی مانده یک تعامل دفرمه شده است که آگاهی و شناخت در آن به تعبیر هابرماس از آن رو که تک‌گفتاری یا مونولوژی است راه را بر هر نوع رویکرد مبتنی بر بین‌الذنهایی بودن معرفت و در نتیجه کنش ارتباطی مبتنی بر گفتگو می‌بندد (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۹۵).

مقوله نظری: حک‌شدگی سمن‌ها در مناسبات دولتی

ما بواسطه هشت مقوله‌ای که از تجارب و ادراکات مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان بدست آمد و روابط بین این مقولات وضعیت حاکم بر مناسبات دولت و سمن‌های جوانان استان اصفهان را به پیروی از پولانی و گرانووتر حک‌شدگی می‌نامیم. براساس یافته‌های این پژوهش حک‌شدگی چارچوبی را توسعه می‌دهد که شکل‌های مختلف نفوذ دولت بر سمن‌های جوانان را مفهوم‌پردازی می‌کند. در یک وجه از وابستگی‌های سیستماتیک و ساختاری که بر سمن‌های جوانان تاثیر می‌گذارد و مسئله استقلال را پیش می‌کشد، می‌گوید؛ و در وجهی دیگر از نفوذ بر عملیات سمن‌های جوانان در چرخه اجرای پروژه‌ها می‌گوید که چالش‌های پایداری را برجسته می‌کند.

اصطلاح حک‌شدگی^۱ به کارل پولانی^۲ (۱۹۴۴)، محقق مجارستانی نسبت داده می‌شود، که استدلال کرد اقدامات اقتصادی و روابط اجتماعی عمیقاً درهم تنیده شده‌اند. حک‌شدگی ایده بدیعی بود چرا که انحراف شدیدی در اصول اساسی اقتصاد کلاسیک که بر تحلیل بازارها و اقدامات اقتصادی تمرکز داشت ایجاد کرد و استدلال کرد اقتصاد برخلاف آنچه نظریه‌های اقتصادی حکم می‌کنند، نه مستقل بلکه تابع سیاست، مذهب و مناسبات اجتماعی است (پولانی، ۱۳۹۱: ۱۹). بعدها کار مارک گرانووتر^۳ (۱۹۸۵) با فرمولی جدیدتر وضوح مفهومی بیشتری به این اصطلاح داد و با پیوند دادن آن با روابط اجتماعی یک پلتفرم عملی برای تحقیقات تجربی بعدی ایجاد کرد.

با شواهد تجربی‌ای که از مصاحبه با مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان بدست آمد و در قالب مقولاتی متمرکز (جدول ۲) مفهوم‌سازی شد می‌توان با تعبیری از هَس^۴ (به نقل از علی‌نژاد و نصرتی، ۱۳۹۶) استدلال کرد: در شرایط حک‌شدگی، سمن‌های مورد مطالعه و طرز عمل‌شان، به وسیله قوانین، هنجارها، فرهنگ و شبکه روابط، به دولت گره خورده‌اند که این نشان از مسئله‌مند شدن مناسبات سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت دارد.

بر مبنای مطالعات میدانی و داده‌های برآمده از مصاحبه با مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان و با تاسی از رویکرد حک‌شدگی اقتصادی، ما احاطه‌شدن کنش‌های اقتصادی در شرایط اجتماعی و فرهنگی (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۵: ۱۱۹) را در تعبیری دیگر بصورت احاطه شدن کنش‌های سمن‌های جوانان استان اصفهان در شرایط نهادی، ساختاری و فرایندی دولت وارونه و مقوله نظری «حک‌شدگی سمن‌ها در مناسبات دولتی» بر ساخت کردیم. به استناد مقولات، مفاهیم و نقل‌قول‌هایی مستخرج از مصاحبه‌ها ما معتقدیم این مفهوم قدرت نظری قابل توجهی برای توضیح آنچه در این رابطه رخ می‌دهد را دارد: حک‌شدگی در انتزاعی‌ترین شکل ممکن می‌تواند به طور موثری تضادهایی که سمن‌های جوانان استان اصفهان با آن مواجه هستند یعنی وضعیتی که هم محدودیت-زاست و هم مساعدکننده را توضیح دهد. از آنجائیکه در تحقیق حاضر به دنبال تحلیل چالش‌های سمن‌های جوانان استان اصفهان در مناسبات با دولت هستیم حک‌شدگی بخصوص معیاری برای استقلال سمن‌ها به‌عنوان مهمترین چالشی است که تجربیات و ادراکات سمن‌های مورد مطالعه در تعامل با دولت در ابعاد گوناگون برجسته می‌کنند. از این منظر می‌توان گفت وقتی دولت با ترتیبات قانونی، اداری و نهادی و ارتباطی خاص خود، کنش‌ها و تصمیمات سمن‌های جوانان را شکل می‌دهند حک‌شدن اتفاق می‌افتد. نگاهی به مختصات روابط سمن‌های جوانان استان اصفهان با دولت مشخص می‌کند سمن‌های مورد مطالعه در روابط الگومندی که از جانب

1 embeddedness

2 Polanyi

3 Granovetter

4 Hass

دولت تعریف شده جایگرفته‌اند. بواسطه قوانین مونولوژی که در نوشتن آن نقشی نداشته‌اند احاطه شده‌اند، در مناسکی بوروکراتیک اجتماعی‌شدن اداری را تجربه می‌کنند، و به درون تظاهرات مشارکت‌پذیری دولت که بنظر نمی‌رسد اراده‌ای برای بروزکردن تجربیات و اطلاعات خود در مورد سمن‌ها داشته باشد، پرتاب شده‌اند تا چگونگی عملکردهای هنجاری در رابطه با دولت را بیاموزند. حکم‌شدگی حتی در بی‌مکانی سمن‌های مورد مطالعه نیز ظهور یافته چراکه در خود اقتضائاتی دارد که آن‌ها را مجبور به حضور فیزیکی در کنار دولت می‌کند که به نوعی مرز بین سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت را از بین برده است. بنابراین بی‌مکانی ناخودآگاه ممکن است رویکردی فروکاهنده ایجاد کند تا جایی که ممکن است آن‌ها را در نظر خودشان و افراد جامعه به بخشی از دولت تقلیل دهد. در این فرایند حکم‌شدگی، دولت بالای سر و مستقل از سمن‌های جوانان، آن‌ها را تابع الزامات و تصمیم‌های خود می‌کند.

حال سوال اینجاست که با وجود چنین وضعیتی چرا سمن‌های جوانان به مراد به دولت ادامه می‌دهند؟ تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد محدودیت‌های ناشی از کمبود منابع برای سمن‌های جوانان، بسیار فوری‌تر از محدودیت‌هایی است که ممکن است در رابطه با دولت برای آن‌ها ایجاد شود. دولت بازیگر کلیدی در تامین منابع سمن‌های جوانان استان اصفهان است که بر عملکرد و بقای آن‌ها تاثیر مثبت دارد. به عبارتی الزامات مشخصی این سمن‌ها را به سمت تعامل با دولت سوق می‌دهد از جمله تامین مالی و مشروعیت قانونی. از این جهت رابطه با دولت برای سمن‌های جوانان قبل از آنکه محدودکننده باشد، کارکردی است. چراکه بقایشان وابسته چیزی است که دولت ارائه می‌کند. تحت چنین الزاماتی است که سمن‌ها تعامل با دولت را حفظ می‌کنند. در عین حال همانطور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد وضعیت حکم‌شدگی یکسره از طرف دولت تعیین نمی‌شود بلکه کنش‌ها و اقدامات سمن‌ها نیز آن را ابقا و تشدید می‌کند. به‌عنوان مثال یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سمن‌ها بیشتر متمرکز بر طرح‌های دولتی هستند که بودجه آن‌ها از قبل مشخص شده است. اکثر آن‌ها اقدامات و برنامه جدی برای متنوع کردن روش‌های تامین مالی انجام نمی‌دهند. در حوزه قانون‌گذاری و تصمیم‌سازی مطالبه‌گر نیستند. برای جذب نیروهای متخصص، آموزش آن‌ها و یا حفظ آن‌ها تمهیدات مناسبی ندارند. با وجود باور به مشارکت‌پذیری ساختگی دولت، فعالانه در آن مشارکت می‌کنند، پراکنده‌کاری می‌کنند و برای درآمدزایی و تامین هزینه‌های سمن طرح‌های برون‌سپاری شده دولت را انجام می‌دهند، و حتی در موضوعی مثل تدارک دفتر یا محلی برای استقرار و انجام فعالیت‌های سمن انتظاراتشان اساساً متوجه دولت است. در این موارد سمن‌ها فرآیندهای خود را در پاسخ به الزامات سازمان‌های دولتی‌ای که برای منابع وابسته به آن‌ها هستند، تنظیم می‌کنند. این نشان می‌دهد در یک محیط تامین مالی عمدتاً دولتی، برای سمن‌های جوانان الزامات استقلال و خودمختاری با الزامات بقا و رشد سازمانی ناسازگار است.

به استناد تجربیات و ادراکات مسئولان سمن‌های مورد مطالعه می‌توان استدلال کرد تجربه حکم‌شدگی، گونه آلترناتیوی از حضور سمن‌های جوانان در کنار دولت را برجسته می‌کند که متفاوت از مشارکت‌پذیری تشریفاتی در مونولوگ‌های تریبونی است که دولت به تصویر می‌کشد و مبتنی بر تجربه‌ای است که در مواجهه با تصاویر پراکنده، موقتی و گاه به گاه از شکل حضور سمن‌ها در درون شبکه‌ای از روابط الگو گرفته از اداره و خواست سیاسی دولت جاسازی شده است و کنش‌ها، واکنش‌ها و اقدامات سمن‌های جوانان آن را ابقا می‌کند. با این وجود تجربیات و ادراکات مشارکت‌کنندگان از رابطه با دولت نشان می‌دهد آنها نسبت به مسئله وابستگی به دولت از آگاهی و حساسیت لازم برخوردارند که این شرط اول برای ایجاد تغییر و کاهش وابستگی است. از این منظر حکم‌شدگی به طور ضمنی چالش و مبارزه‌ای که سمن‌های مورد مطالعه به دلیل وابستگی به دولت برای منابع، و در تلاش برای حفظ خودمختاری با آن مواجه هستند، را بازنمایی می‌کند.

لازم به ذکر است مقوله حکم‌شدگی در عین توضیح محدودیت‌هایی که رابطه با دولت برای سمن‌ها دارد، امکان توضیح نقش دولت در توانمندسازی، تسهیلگری و حمایت از سمن‌های جوانان را نیز دارد. لذا همانطور که علی‌نژاد و نصرتی (۱۳۹۶) اشاره می‌کنند

«درک این نکته ضروری است که حک‌شدگی به معنای کنش برنامه‌ریزی‌شده خاص و هدفمند نیست که قصد انجام آن وجود دارد، بلکه محدودیت‌ها و توانمندی‌های ساختاری، فرهنگی، شناختی، سیاسی و نهادی است که با قرارگیری و تعبیه شدن کنش‌ها در درون آنها یک مشخصه و ویژگی خاص به گروه‌های هدف و مورد بررسی می‌دهد، آنها را توانا یا محدود می‌کند». بنابراین در این دیدگاه حک‌شدگی در عین محدودکنندگی، توانمندساز هم هست هر چند که در مقاله حاضر بنا بر اقتضات و هدف تحقیق صرفاً به محدودیت‌ها و چالش‌ها پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

ما از لنز حک‌شدگی برای بررسی تجربیات و ادراکات مسئولان سمن‌های جوانان استان اصفهان از روابطشان با دولت استفاده کردیم تا نشان دهیم چگونه ترتیبات نهادی و ساختاری دولت به طور قابل توجهی وضعیت این سمن‌ها را شکل می‌دهد. این ما را به استقلال به-عنوان مناقشه‌برانگیزترین مسئله در ارتباطات سمن‌ها و دولت هدایت کرد. پس حک‌شدگی می‌تواند شاخص قضاوت در مورد استقلال سمن‌های جوانان استان اصفهان باشد؛ اینکه چقدر تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌هایی که کنش‌های آنها را تعیین می‌کند مطابق خواست و اداره دولت است و چقدر صدای آنها را در خود دارد. این فرایندی چند بعدی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قوانین، دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌ها حک‌کننده‌اند چرا که تک‌گویانه و بدون اثرگذاری و انعکاس صدایی از سمن‌های مورد مطالعه به آنها ابلاغ و تحمیل شده‌اند؛ از اینرو گاهی نادیده گرفته می‌شوند این موافق نتایج تحقیقاتی که نشان می‌دهند قوانین سفت و سختی که یک طرفه توسط دولت نوشته شده‌اند که حتی امکانی برای مذاکره برای سمن‌ها ندارند و سمن‌ها را زیرمجموعه دولت قرار می‌دهند، باعث ایجاد تضاد شده و از اینرو احتمالاً از طرف سمن‌ها مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند (Batley, 2011). در عین حال در تضاد با نتایج برخی پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد اگرچه سمن‌ها کنترل‌های قراردادی و سیاسی دولت را پذیرفته‌اند اما موضع مذاکره برای سمن محفوظ است و از این طریق توانسته‌اند رابطه با دولت را تنظیم کنند (Nair, 2011; Asad & Kay, 2014).

مطابق با نتایج تحقیق اراده کنترل‌گر دولت در رابطه با سمن‌های جوانان استان اصفهان نه فقط در قوانین بلکه به واسطه بهنجارسازی و مناسکی کردن کار داوطلبانه در اقدامات پرورکراتیک هم ظهور می‌یابد و سطح عمیق‌تری از حک‌شدن را نشان می‌دهد. به عبارتی آن کاری که دولت با قوانین در رابطه با این سمن‌های جوانان انجام می‌دهد با سازوکار بوروکراتیک و مناسک اداری آن را تکمیل می‌کند. دولت با بهنجار کردن کار داوطلبانه در رویه‌های اداری در صدد است تفاوت‌های سمن‌ها را _که اتفاقاً آفریننده و تولیدکننده هستند_ را به نظم بکشد و خنثی کند. این برای عاملیت سمن‌ها ناامیدکننده است. در این باره رز (۲۰۰۶) نشان می‌دهد تشریفات اداری بیش از حد نه تنها باعث کندی تعامل بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی می‌شود، بلکه اصولاً دولت مرکزی مسلط اما ناکارآمد سعی می‌کند بواسطه آنها کنترل خود را بر بخش غیردولتی حفظ کند. همچنان که گری (۱۹۹۶) به استفاده دولت‌های آفریقایی از اقدامات بوروکراتیک برای کنترل و تنظیم سمن‌ها اشاره می‌کند و پورعزت و همکاران (۱۳۹۶) آن را از راهبرد تقابلی دولت در برابر سمن‌ها که آنها را تهدیدی برای امنیت خود تلقی می‌کند، برشمرده‌اند.

در سطحی دیگر یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد دولت در برابر مشارکت سمن‌های جوانان استان اصفهان در سطوح تصمیم‌سازی و مشورتی مقاومت می‌کند. آنچه اجازه تعدیل نمی‌دهد کاربست الگوهای رفتاری تجربه شده و پیش‌بینی‌پذیر بر مبنای اطلاعات و تجربه چسبیده است که اجازه ظهور صورت‌بندی‌های جدید از کنش را نمی‌دهد. چراکه تصمیم‌گیری در این خصوص بر مبنای اطلاعات جدید و تجدیدنظر در احتمالات گذشته برای دولت پرهزینه است. این موافق با نتایج مطالعه پورعزت و همکاران (۱۳۹۶) است که مقاومت مدیران دولتی در به رسمت شناختن سمن‌ها در مشارکت، رقیب انگاشتن سمن‌ها توسط مدیران دولتی و

نداشتن نگرش مثبت مدیران دولتی به سمن‌ها و مانع‌تراشی را به عنوان مفاهیمی در نظر می‌گیرند که در زمره راهبردهای تقابلی دولت در برابر سمن‌ها به شمار می‌روند.

یافته‌های تحقیق در مقوله فعال‌نمایی کلبی‌مشربانه در روابط سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت بازنمودی از این گفته ژیک است که ما «سوژه‌هایی کلبی‌مشرب هستیم» (مایرز، ۱۳۸۵: ۹۱). اکثریت مصاحبه‌شوندگان می‌گویند که نباید تسلیم انتظارات و توقعات دولت شد، اما در مقام عمل رفتار دیگری بروز می‌دهد و انتظارات دولت را می‌پذیرند. از سوی دیگر دولت اصرار دارد که همه درگیر مشارکت شوند و در قوانین از مشارکت و عدم‌مداخله دولت و خودمختاری سمن‌ها می‌گوید اما در عمل در یک مشارکت راستین که منافع خود را در خطر می‌بیند، وارد نمی‌شود و تنها نوعی از مشارکت فرموله شده با حداقل هزینه و ریسک را به رسمیت می‌شناسد. در این مورد در خصوص شکل و نوع مشارکت نتایج با تحقیق ملایی و اسکافی (۱۳۹۵) که نشان می‌دهند نوع مشارکت در رابطه دولت و سمن‌ها نوع مشارکت شعاری است و در عمل، اصول مشارکت به علل متعددی رعایت نمی‌شود، همگام است. در حالی که در مقابل تحقیق باتلی (۲۹۹۶) و می‌هیو (۲۰۰۵) قرار دارند که نشان می‌دهند زمانی که دولت بطور مستقیم در فعالیت‌های سمن‌ها دخالت می‌کند یا بواسطه قوانین قصد مداخله دارد حتی اگر این قوانین اعمال یا اجرا نشود، احتمال رویارویی دولت و سمن‌ها بیشتر شده و مشارکت ضعیف‌تر می‌شود.

در مطالعه حاضر وضعیت نامطمئن دانش سازمانی نشان می‌دهد که سمن‌های جوانان استان اصفهان به منابع مطمئنی از دانش و اطلاعات دسترسی چندانی ندارند و دولت دسترسی محدود و ناچیزی به اطلاعات به آن‌ها می‌دهد. چنانکه سعیدی (۱۳۸۴) دسترسی محدود سمن‌ها به دانش‌های تخصصی و پورعزت و همکاران (۱۳۹۶) به عدم تسهیم داده‌ها و اطلاعات توسط دولت در رابطه با سمن‌ها اشاره می‌کنند. علاوه بر این پژوهش حاضر نشان داد آنچه از دانش، مهارت و تجربه هم که در اختیار ی مورد مطالعه است همواره در معرض از دست رفتن است. در عین حالی که به دلایلی مثل تنوع و گوناگونی تخصص و نیز فعالیت‌های انجام شده توسط این سمن‌ها که الزاما هم مرتبط با حوزه فعالیت سمن نیست امکان آموزش و ارتقا دانش وجود ندارد.

هم راستا با پژوهش رازقی و لطفی خاچکی (۱۳۹۷) که نبود فضای کار و ساختمان برای سمن‌ها را از جمله چالش‌های درونی که بر پایداری سمن‌ها تاثیر می‌گذارد می‌دانند، نتایج تحقیق حاضر ضمن اشاره به این موضوع، تاثیر آن بر هویت و عملکرد سمن‌های جوانان استان اصفهان را نیز مطرح می‌کند. در عین اینکه طرح این مسئله از سوی مصاحبه‌شوندگان بطور ضمنی بر انتظار آنها از دولت برای در اختیار قرار دادن محل یا دفتر کار اشاره دارد. چنانکه در مطالعه پورعزت و همکاران (۱۳۹۶) در اختیار قرار دادن دفاتری برای فعالیت سمن‌ها توسط دولت از جمله حمایت‌های دولت و به عنوان بخشی از استراتژی همکاری بین دولت و سمن‌ها قلمداد می‌شود. اما طبق نظر مسئولان سمن‌ها مورد مطالعه از آنجائیکه از دید دولت سمن‌های جوانان سازمان‌های موقتی هستند، مکان‌داری را برای آن‌ها اولویت قلمداد نمی‌کند. طبق یافته‌های پژوهش گذشته از تاثیراتی که این بی‌مکانی بر سردرگمی فضایی و احساس عدم‌تعلق سمن‌ها دارد ناگزیر کردن سمن‌ها به همزیستی با دولت در ادارت دولتی تلقی دولتی‌بودن را حتی اگر واقعی نباشد در اذهان می‌نشانند.

در مطالعه حاضر ما شکنندگی را به عنوان آسیب‌پذیری پروژه‌ها تعریف کردیم که در تجربیات سمن‌های مورد مطالعه با شاخص‌های اختلال در تامین مالی و اختلال در چرخه عملیاتی پروژه‌ها که بخصوص به دلیل وابستگی مالی سمن‌های جوانان به دولت اتفاق افتاده است ویژگی‌های از فرایند حک‌شدن را آشکار می‌سازد که این سمن‌ها را مستعد ناپایداری می‌کند. این نتایج با سایر تحقیقات در مورد وابستگی مالی سمن‌ها به دولت (Banks et al, 2015)، فقدان روندهای پایدار برای تولید منابع مالی، کمبود منابع، نامشخص بودن منابع تامین مالی و وابستگی به دولت (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷)، کمبود منابع مالی و اتکا به منابع و حمایت مالی دولت (حبیب‌پور کتابی و کاری جعفری، ۱۳۹۸) و تمایل به تامین منابع مالی از طریق دولت (رفیعی، ۱۳۹۱) همسو است که تاکید می‌کند حتی

فرسایش تدریجی کمک‌های از جانب دولت که می‌تواند سمن‌ها را از قیود دولت رها کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد مستقل‌تر عمل کنند، با وجود خواست خود سمن‌ها برای تداوم این کمک‌ها، خیلی موثر نخواهد بود. به نظر می‌رسد بسیاری از سمن‌ها فاقد دوراندیشی و شجاعت لازم برای خروج از منطقه آسایشی هستند که در آن قرار گرفته‌اند و حتی فوریت و اهمیت آن را درک نمی‌کنند. در نهایت همسو با نتایج پژوهش‌های دیگر (سعیدی، ۱۳۸۴، مقدسی و همکاران، ۱۳۹۶؛ رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷؛ حبیب-پورگتابی و کاری جعفری، ۱۳۹۸؛ عربی و دالوند، ۱۴۰۰) طبق یافته‌های تحقیق حاضر بی‌اعتمادی دو طرفه اجازه برقراری ارتباط سالم را بین سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت را نمی‌دهد در نتیجه تعامل دفرمه می‌شود. می‌توان استنباط کرد آنچه فرایند حک شدن سمن‌های جوانان استان اصفهان در دولت با توجه به مقولاتی که هر یک ابعادی از آن را روشن می‌شوند نشان می‌دهد تا حدودی شبیه فرایندی است که در دیدگاه ناچم (۲۰۰۰)، زیگلر^۱ (۲۰۱۰) و پولارد^۲ (۲۰۱۴) به عنوان جذب نیروهای مخالف^۳ شناخته می‌شود.

بحث

مقوله حک‌شدگی سمن‌ها در مناسبات دولتی ماهیت بسیار پیچیده و چندوجهی روابط سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت را با تمرکز بر وضعیت استقلال سمن‌های مورد مطالعه و با نشان دادن موقعیت‌های گوناگونی که سمن‌ها در مناسبات دولتی جایگرفته‌اند، باز می‌کند و از این جهت دیدگاه‌های سنتی در مورد عاملیت سمن‌ها را به چالش می‌کشد و به این واسطه مسئله استقلال و پایداری را در سطح هشداردهنده‌ای در صدر نگرانی‌های مربوط به آینده این سازمان‌ها و موضوع داوطلبانگی مطرح می‌کند.

با این حال محدودیت‌هایی که رابطه با دولت برای سمن‌های جوانان دارد به این معنا نیست که سمن‌ها باید عقب‌نشینی و رابطه با دولت را قطع کنند بلکه دلالت بر این امر دارد که سمن‌های جوانان باید این رابطه را ارتقا و بهبود دهند. برای بهبود و سامان‌بخشی به این رابطه مهم‌ترین کار در وهله اول، برطرف‌سازی موانع ارتباط سالم است. برای این منظور باید یک گام به عقب رفت و فرایند شناختن را دوباره آغاز کرد. شناخت ناقص در روابط دولت و سمن‌ها با توافق در خصوص وظایف و کارکردهای هر یک از کنشگران در مورد یکدیگر و شرایط و نحوه تعامل ترمیم می‌شود. از این جهت می‌بایست باب دیالوگ را باز کرد. با جلسات گفت و شنود و نشست‌های تخصصی سمن‌ها و دستگاه‌های مختلف حاکمیت جهت گفتگو و مفاهمه، می‌توان در موضوعات اساسی سطحی از توافق و اشتراک را ایجاد و زمینه را برای طرح مباحثی مثل سهم سمن‌های جوانان از قانون‌گذاری و نقش‌شان در تصمیم‌گیری‌ها فراهم کرد. دولت هم می‌تواند از این مباحث برای بازطراحی برنامه‌ها و سیاست‌ها با مشارکت سمن‌های جوانان استفاده کند. گفتگومحوری در پایین‌ترین سطوح هم می‌تواند در برطرف کردن موانع ارتباط موثر باشد. به عنوان مثال حضور نماینده سمن‌های جوانان در شوراهای داوری طرح‌ها می‌تواند ضمن حصول رضایت دو طرف، اعتماد ایجاد کند. اعتمادسازی در روابط دولت و سمن‌های جوانان اصلی اساسی برای رسیدن به تفاهم متقابل است تا شرط لازم برای ارتباطی سالم که به مشارکت واقعی و کسب منافع متقابل بیانجامد محقق شود. در عین حال متنوع کردن روش‌های تامین مالی می‌بایست مورد توجه جدی‌تر سمن‌های جوانان قرار گیرد.

ویژگی‌هایی که در این پژوهش در مورد رابطه سمن‌های جوانان استان اصفهان و دولت توضیح دادیم نشان داد که این دولت است که هم فضای فعالیت این سمن‌ها و هم ماهیت روابط خود با آن‌ها را تعریف می‌کند. اما مهم است که به یاد داشته باشیم که این روابط ثابت و این شرایط جهانی نیستند. همانطور که پیشتر اشاره شد روابط دولت و سمن‌ها به طور تاریخی تکامل یافته است

1 Ziegler

2 Pollard

3 Cooptation

و تحت تأثیر ویژگی‌های نهادی و عملکرد دولت‌ها قرار دارد. در عین حال باید در نظر داشت چنین مفهوم‌سازی تأثیر مثبت تعاملات سمن‌ها بر دولت را نیز رد نمی‌کند. توجه به این جنبه از رابطه سمن‌های جوانان و دولت و تأثیرات مثبت و کارکردی آن هم برای دولت و هم سمن‌ها، که در این تحقیق بنابر مقتضیات و محدودیت‌های پژوهش به آن پرداخته نشد، در تحقیقات آینده درک بهتر و جامع‌تری از مناسبات سمن‌های جوانان و دولت بدست خواهد داد. پذیرش نتایج مثبت حکم‌شدگی و تأثیرگذاری آن بر روی دولت و نیز توجه به گوناگونی این سمن‌ها و پاسخ‌های متفاوتی که در مواجهه با وضعیت‌های گوناگون حکم‌شدگی خواهند داشت به درک عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری از حکم‌شدگی کمک می‌کند و افق دیدمان را از محدودیت و کرانمندی می‌رهاند. وضعیت حکم‌شدگی در تحقیق حاضر بنا بر اقتضائات پژوهش و متکی بودن آن بر تجربیات و ادراکات مسئولان سمن‌های جوانان، بیشتر متوجه کژکارکردهای دولت و نهادهای دولتی در تعاملات با سمن‌های جوانان است که البته کنش‌ها و اقدامات سمن‌ها در این وضعیت آن را ابقا و تشدید می‌کند. با این حال تمرکز بیشتر و عمیق‌تر بر روی سمن‌ها و کژکارکردهای آن‌ها در تعامل با دولت، منظر وسیع‌تر و نتایج غنی‌تر و واقع‌بینانه‌تری از آنچه در تعاملات سمن‌ها و دولت رخ می‌دهد به دست خواهد داد که بررسی این مساله از نگاه مدیران و کارشناسان دولتی، یا اشخاص ثالث از جمله صاحب‌نظران این حوزه در پژوهش‌های آتی را می‌طلبد.

لازم به ذکر است اگرچه در اینجا بنابر اقتضائات و محدودیت‌های پژوهش اصطلاح دولت به صورت یک کل بکار گرفته شد اما نمی‌توان دولت را یک کل واحد و یکدست و همگن در نظر گرفت و در درون دولت نیز باید گوناگونی و تنوع را لحاظ کرد. با این حساب هر کدام از مقوله ممکن است در بخشی از دولت ظهور یابد و در بخش‌های دیگر نه، یا با درجات مختلفی بروز یابد. چنین ملاحظاتی می‌تواند در پژوهش‌های آتی منظر جدیدی از حکم‌شدگی را نشان دهد.

منابع

اداره کل مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه جوانان وزرات ورزش و جوانان (۱۴۰۱). فهرست سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان به تفکیک استان (از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا دی ماه ۱۴۰۱). دسترسی از طریق:

https://saman.msy.gov.ir/modules/GetFile.aspx?Source=T_tblAmar&file=tblAmar_fldfile_90.pdf

پورعزت، علی‌اصغر؛ خانیکی، هادی؛ یزدانی، حمیدرضا و مختاری، بهاره (۱۳۹۶). شناسایی راهبردهای بخش دولتی در مواجهه با سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند ختم‌سازی عمومی در ایران؛ مطالعه موردی: حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۲.

پولانی، کارل (۱۳۹۱). دگرگونی بزرگ؛ خاستگاه‌های اقتصادی و سیاسی روزگار ما. ترجمه: محمد مالجو. تهران: نشر شیرازه.
پیترس، جان ندروین (۱۴۰۰). نظریه توسعه: شالوده‌شکنی‌ها و بازسازی‌ها. ترجمه: رضا همتی و بابک لعل‌فام. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۸). الگوی رابطه بین دولت و سازمان‌های غیردولتی در سیاست‌گذاری اجتماعی ایران. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، سال ۶، شماره ۱۳.

حبیب‌پور گتایی، کرم و کاری‌جعفری، بهزاد (۱۳۹۸). مطالعه جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران شهر تهران. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۳، شماره ۲.

خزائلی‌پارسا، فاطمه (۱۳۸۲). سازمان‌های غیردولتی، تاریخچه، تعریف و ویژگی‌ها. تهران: سازمان بهزیستی کشور.

حوزه حکمرانی شهروندی (۱۳۹۸). اهم مسائل سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور. دسترسی از طریق:

<https://governanceschool.ir/file/download/news/1585325702-policy-paper1.pdf>

- رازقی، نادر و لطفی‌خاچکی، بهنام (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی: با تأکید بر رابطه آنها با دولت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۱.
- ربیعی، کامران (۱۳۹۹). دولت توسعه‌گرا و چالش‌های توسعه اقتصادی در ایران. جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۲، شماره ۱.
- رفیعی، فرشاد (۱۳۹۱). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در توسعه ملی ورزش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی. دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- ژیژک، اسلاوی (۱۴۰۱). خواست ناممکن. ترجمه: کامران برادران. تهران: نشر حکمت کلمه.
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۴). رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران (جستجوی یک همکاری بهینه). پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۸). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی. تهران: سمت
- سلیمانی، مسعود و وثوقی، منصور (۱۳۹۶). عوامل موثر بر استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت بر عملکرد دولت در فرایند توسعه محلی. فصلنامه توسعه محلی. دوره ۸، شماره ۲.
- سوئدبرگ، ریچارد گرانووتر، مارک (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی اقتصادی. ترجمه: علی‌اصغر سعیدی. تهران: انتشارات تپسا.
- شیخی، حجت؛ برونک، فرهاد و زنگیشه‌یی، سجاد (۱۴۰۰). توسعه محلی و رویکرد تسهیلگری اجتماع‌محور (محلّه جعفرآباد). چشم‌انداز شهرهای آینده، دوره ۲، شماره ۱.
- شیخی، سینا؛ ضرغام‌افشار، محمدتقی؛ عزت‌آبادی‌پور، حسام؛ مشگینی، بهمن و حدادی، علیرضا (۱۴۰۲). بررسی موانع حکمرانی مردمی در ایران و ارائه راهکارهایی برای ارتقای نقش مردم در حکمرانی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- شیرخانی، محمدعلی و ارغوانی، پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۵). اجماع پکن؛ الگوی نوین توسعه در عصر جهانی شده. فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۱.
- صالحی، مختار و حسن‌زاده، فرامرز (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اجماع پکن و اجماع واشینگتن. فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۴.
- عربی، علی و دالوند، فرانک (۱۴۰۰). سمن‌ها، سرمایه اجتماعی و مدارا (مورد مطالعه: سمن‌های فعال جوانان سطح شهر شیراز. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۲۰، شماره ۵۳.
- فرج‌اله‌زاده، روزینا و صالحی‌نیا، مجید (۱۴۰۰). بازتعریف مفهوم مکان با تأکید بر فرایند آفرینش و تبیین مرکزیت مکان. نشریه علمی باغ نظر، دوره ۱۸، شماره ۱۰۲.
- لطفی، هادی؛ دانش‌فر، کرم‌اله و موسی‌خانی، مرتضی (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی ایران و کشورهای منتخب. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۶.
- مایرز، تونی (۱۳۸۵). اسلاوی ژیژک. ترجمه: فتح محمدی. زنجان: نشر هزاره‌ی سوم.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲: (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی). تهران: جامعه‌شناسان.
- مقدسی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۶). دولت و تجربه‌های مدنی در ایران. تهران: کتاب پارسه.
- ملایی، مجتبی و اسکافی، مریم (۱۳۹۵). تحلیل کیفی مشارکت به روش مثلث‌سازی مورد مطالعه: مشارکت شهرداری مشهد با سازمان‌های مردم‌نهاد. مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، دوره ۱۰، شماره ۳.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی. ترجمه: کمال پولادی. تهران: روزنامه ایران.
- همتی، رضا و ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۸۷). مناقشات مربوط به مسئله اعتبار در پژوهش‌های کیفی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال ۱۶، شماره ۶۱.
- علی‌نژاد، منوچهر و نصرتی، روح‌اله (۱۳۹۶). حک‌شدگی کنش اقتصادی: مطالعه الگوی کنش اقتصادی دریانی‌های آذری زبان. مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۴، شماره ۲.

- Andrews, Abigail (2014). Downward Accountability in Unequal Alliances: Explaining NGO Responses to Zapatista Demands. *World Development*, Vol. 54.
- Asad L. Asad & Kay Tamara (2014). Theorizing the relationship between NGOs and the state in medical humanitarian development projects. *Social Science & Medicine*, Vol 120.
- Attack, Iain (1999). Four criteria of development NGO legitimacy. *World Development*, Vol. 27, No. 5.
- Banks, Nicola; Hulme, David & Edward, Michael (2015). Ngos, States, And Donors Revisited: Still Too Close For Comfort?. *World Development*, Vol. 66.
- Batley, Richard (2011). Structures and strategies in relationships between non- government service providers and governments. *Public Administration and Development*, Vol. 31, No. 4).
- Bryant, Antony & Charmaz, Kathy (2007). *The Sage handbook of grounded theory*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications Ltd.
- Charmaz, Kathy (2006), *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*, London : SAGE Publications.
- Clark, John (1995). The state, popular participation, and the voluntary sector. *World Development*. Vol. 23, No. 4.
- Gary, Ian (1996). Confrontation, Cooperation or Cooptation: NGOs and the Ghanaian State during Structural Adjustment. *Review of African Political Economy*, Vol. 23, No. 68.
- Gordenker, Leon & Weiss, Thomas G (1995). Pluralising Global Governance: Analytical Approaches and Dimensions. *Third World Quarterly*, Vol. 16, No. 3.
- Hasmath Reza; Hildebrandt Timothy; Hsu Jennifer Y. J. (2019). Conceptualizing government-organized non-governmental organizations. *Journal of Civil Society*. Vol. 15, No. 3.
- Mayhew, Susannah H (2005). Hegemony, Politics and Ideology: the Role of Legislation in NGO–Government Relations in Asia. *The Journal of Development Studies*, Vol. 41, No. 5.
- Nair, Padmaja (2011), Evolution of The Relationship Between The State And Non-Government Organisations: A South Asian Perspective. *Public Administration And Development*, 31, No. 4.**
- Pollard, Stacey E (2014). *The State and Civil Society in the Arab Middle East*. Phd Dissertation: Western Michigan University. Dissertations. Retrieved From: <https://scholarworks.wmich.edu/dissertations/311>
- Richey, Lisa Ann & Ponte, Stefano (2014). New Actors and Alliances in Development. *Third World Quarterly*, Vol. 35,
- Najam, Adil (2000). The Four-C's Of Third Sector–Government Relations: Cooperation, Confrontation, Complementarity, And Co-Optation, *Nonprofit Management & Leadership*, Vol. 10, No. 4.
- Rose, Pauline (2011). Strategies for engagement: Government and national non-government education providers in South Asia. *Public Administration and Development*, Vol. 31, No. 4.
- Schreier, Margrit, et al (2020). Qualitative Content Analysis: Disciplinary Perspectives and Relationships between Methods Introduction to the FQS Special Issue "Qualitative Content Analysis II". In *Forum Qualitative Sozialforschung Forum: Qualitative Social Research*, Vol. 21, No. 1.
- Sternberg, Elaine (2010). NGOS Vs Civil Society :Reflections on the Illiberal, the Illegitimate and the Unaccountable. *Economic Affairs*, Vol. 30, No. 3.
- Uwhejevwe-Togbolo, Samuel (2005). [The Role of Non Governmental Organizations in Development](http://www.nigeriavillagesquare.com/articles/the-role-of-non-governmental-organizations-ngos-in-development.html). Retrieved From <http://www.nigeriavillagesquare.com/articles/the-role-of-non-governmental-organizations-ngos-in-development.html>**
- Walker Christopher (2016). Dealing with authoritarian resurgence. In: Diamond Larry, Plattner, Marc F., Walker Christopher (eds.) *Authoritarianism Goes Global: The Challenge to Democracy*. Baltimore: John Hopkins University Press.
- Ziegler, Charles E (2010). Civil Society, Political Stability and State Power in Central Asia: Cooperation and Contestation. *Democratization*, Vol. 17, No. 5.